



هنرمندان و هنر انقلابی

اصغر کریمی

صفحه ۳

فدرالیسم، از توهم تا فاجعه

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۵

اعتراضات در نفت و کارزار حمایت از کارگران

شهلا دانشفر

صفحه ۸

گزارش از کنفرانس حمایت از اعتراضات کارگران نفت

صفحه ۹

کشتار در غزه، استیصال در جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

صفحه ۱۳

جلوی اعدام‌ها متحدانه بایستیم!

حسن صالحی

صفحه ۱۵

افزایش سه برابری اجاره‌خانه در دولت رئیسی

محمد شکوهی

صفحه ۱۶

جمهوری اسلامی نه می‌خواهد و نه می‌تواند

میلاد رابعی

صفحه ۱۸

موقعیت حکومت اسلامی بعد از پایان جنگ حماس

و اسرائیل

مهران مجبی

صفحه ۱۹

اطلاعی‌های هفته اخیر

صفحه ۲۰

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۵۰

شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۲، ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳

تزهایی در مورد جنگ غزه

حمید تقوایی

۱- جنگ غزه از نظر انسانی یک جنایت تمام‌عیار است. حتی بر اساس کنوانسیون ژنو هر دو طرف جنگ مرتکب جنایات جنگی بسیاری شده‌اند. حماس در حمله اولیه ۱۴۰۰ نفر از مردم اسرائیل را کشت و دولت اسرائیل تا امروز بنا به گزارش یونسف بیش از ۲۳۰۰ کودک را در نوار غزه به قتل رسانده است. از این نقطه نظر این جنگ فاجعه‌ای است که هر چه زودتر باید متوقف بشود. اما کشتن انسان‌ها تمام فاجعه را بیان نمی‌کند. در عصر ما (از زمان جنگ جهانی اول تا امروز) در هر جنگی مردم عادی و غیرنظامی و شهرها و خانه و زندگی مردم هدف حمله قرار گرفته‌اند. جنگ جاری نیز وحشیانه‌تر از بسیاری از جنگ‌ها این واقعیت را به نمایش گذاشته است. اما عمق این توحش وقتی آشکار می‌شود که مواضع و سیاست‌های دو طرف جنگ را مدنظر قرار بدهیم.

۲- جنگ غزه از نظر سیاسی و مضمون و اهداف جنگ نیز کاملاً ارتجاعی است. هر دو طرف جنگ، حماس و اسلام سیاسی از یک سو و دولت نتانیاهو و جریان راست افراطی در اسرائیل از سوی دیگر، مخالف تنها راه حل انسانی مسئله فلسطین یعنی تشکیل دو دولت متساوی‌الحقوق هستند. حماس خواهان انهدام اسرائیل است و دولت نتانیاهو خواهان بسط سرزمین و سلطه سیاسی اسرائیل به حتی مناطق اشغالی بعد از جنگ ۶ روزه. جنگ جاری ادامه چنین سیاست‌های بغایت ارتجاعی و ضدانسانی و در جهت موکول به محال کردن حل انسانی مسئله فلسطین است. این جنگ، حتی اگر یک غیرنظامی در آن کشته نمی‌شد، جنگی تماماً ارتجاعی و ضدبشری بود.

۳- بعد از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و شکل‌گیری حزب‌الله و حماس، مسئله فلسطین به پرچمی برای فلسطین پناهی و اسرائیل ستیزی نیروهای اسلامی از یک زاویه مذهبی و فوق ارتجاعی تبدیل شد. در سوی دیگر در اسرائیل نیز نیروهای فاشیستی - مذهبی قدرت گرفتند که قالب مذهبی مسئله فلسطین را تماماً به نفع خود، گسترش شهرک‌نشین‌های یهودی، و بسط سلطه مطلق اسرائیل بر تمام سرزمین‌های اشغالی می‌دیدند. نیروهای اسلام سیاسی و نیروی راست افراطی اسرائیل، که در شرایط حاضر نتانیاهو نمایندگی می‌کند، در واقع دو روی یک سکه‌اند، به همدیگر نیرو می‌دهند و از جنایات یکدیگر نیرو می‌گیرند. در این چارچوب مذهبی - فاشیستی مسئله فلسطین راه حل ندارد. برای هر نوع راه حل انسانی و عادلانه مسئله، از جمله طرح دو دولت، باید این نیروها را کنار زد و در میان فلسطینیان و در خود اسرائیل کاملاً حاشیه‌ای کرد.

ادامه در صفحه ۲

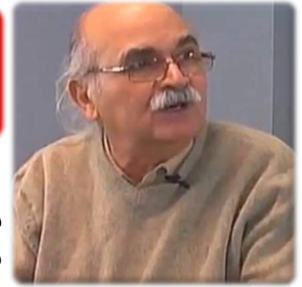
اما جنگ حاضر جنگی طولانی است با پیامدهای سیاسی بی‌سابقه‌ای در خود اسرائیل. جامعه اسرائیل تحمل یک جنگ طولانی‌مدت را ندارد و به‌ویژه با افزایش تلفات ارتش اسرائیل، علیه جنگ و دولت نتانیاهو به میدان خواهد آمد.

۸- مردم ایران در شعارها و حرکات اعتراضی خود علیه دولت اسرائیل حرکتی نمی‌کنند چون نمی‌خواهند با سیاست اسرائیل ستیزی حکومت همسو بشوند. جمهوری اسلامی تلاش می‌کند از این جنگ در خدمت تبلیغات همیشگی ضد اسرائیلی خودش و تحت‌الشعاع قراردادن جنبش انقلابی جاری بهره‌برداری کند اما مردم این تلاش‌ها را در خیابان و در مدیای اجتماعی کاملاً عقیم گذاشته‌اند. در ایران انقلاب عظیمی در جریان است و به درست نیروی مردم و انقلابیون بر سرنگونی حکومت متمرکز است و در این راه هر نوع تلاش حکومت برای منحرف کردن اذهان و فضای سیاسی در ایران و جهان و هر نوع سنگ‌اندازی و تحریف و فیل هواکردن حکومت علیه انقلاب را خنثی می‌کند.

۹- در برابر این جنگ مردم متمدن جهان در منطقه و در غرب و در اسرائیل و ایران و همه کشورهای، باید با شعار قطع فوری جنگ، آزادی گروگان‌ها، محاکمه مرتکبین جنایات جنگی از هر دو طرف، و در دستور قرارگرفتن راه‌حل دو دولت به میدان بیایند. مردم ایران در جنبش جهانی علیه جنگ غزه، هم از نظر اینکه جمهوری اسلامی محور جنبش تروریسم اسلامی در منطقه و جهان یک پای این جنگ است و هم به دلیل انقلاب زن زندگی آزادی، در صف مقدم قرار دارند. انقلاب زن زندگی آزادی سرمار اسلام سیاسی را هدف گرفته است و با تضعیف و نهایتاً سرنگون کردن جمهوری اسلامی ضربه کاری ای به کل جنبش فوق‌ارتجاعی اسلامی در منطقه و در کل جهان وارد خواهد کرد. مردم ایران و نیروهای اپوزیسیون آزادی‌خواه باید در کنار مطرح کردن خواست‌های فوق، خواهان بایکوت و انزوی جهانی جمهوری اسلامی به‌عنوان قاتل مردم ایران و به‌عنوان حامی حماس و حزب‌الله و دیگر نیروهای تروریستی در منطقه و در جهان باشند.

۱۷ آبان ۱۴۰۲، ۸ نوامبر ۲۰۱۳

ترهایی در مورد جنگ غزه از صفحه نخست



۴- برای جمهوری اسلامی، حزب‌الله و دیگر نیروهای اسلام سیاسی شعار نابودی اسرائیل صرفاً جنبه ایدئولوژیک - هویتی و رتوریک - تبلیغی دارد و نه عملی - نظامی. خودشان هم می‌دانند که به دریا ریختن اسرائیل، درست مانند "تبدیل کاخ سفید به حسینیه"، و یا "ظهور امامزمن"، از محالات است با این همه مدام تکرار می‌کنند؛ چون از نظر عقیدتی تبلیغی به آن احتیاج دارند. (خامنه‌ای اخیراً اعلام کرد کشتار مردم غزه موجب تعجیل ظهور امامزمن می‌شود و به‌این ترتیب به دریا ریختن اسرائیل را به عهده امامزمن گذاشت!)

۵- بسط جنگ و کشیده‌شدن پای جمهوری اسلامی به جنگ نامحتمل است. اما اگر چنین شود سیاست حزب ما و هر نیروی انقلابی باید تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. "تمام تفنگ‌ها به طرف دولت خودی" شعار ما در صورت وقوع حمله به جمهوری اسلامی است.

۶- با ادامه جنگ توحش دولت اسرائیل بیش‌ازپیش مورد توجه جهانیان قرار می‌گیرد و تظاهراتی علیه کشتار مردم غزه و خواست قطع فوری جنگ در سطح جهانی گسترش خواهد یافت. این تظاهرات علیه کشتار مردم غزه و با خواست قطع فوری جنگ است و نه در دفاع از حماس. همانطور که تظاهرات توده مردم جهان علیه حمله آمریکا و متحدینش به عراق، اعتراض به تهاجم وحشیانه به مردم عراق بود و نه در حمایت از صدام حسین.

۷- دولت نتانیاهو قبل از جنگ با اعتراضات وسیع مردم اسرائیل مواجه بود. بعد از حمله وحشیانه حماس این اعتراضات فروکش کرد؛ ولی با ادامه جنگ نارضا و اعتراض مردم اسرائیل دوباره اوج خواهد گرفت. تا کنون جنگ‌های اسرائیل علیه نیروهای مختلف فلسطینی و حتی دولت‌های عرب زود فرجام بوده و سریعاً به پیروزی اسرائیل منجر شده.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

حماس و نتانیاهو

به جرم جنایت جنگی

باید محاکمه شوند!



هنرمندان و هنر انقلابی

اصغر کریمی



انقلابات فرجه فراهم می‌کنند که هنرمندان زیادی از خط قرمزها عبور کنند و قلب مردم را با هنرشان تسخیر کنند. بی‌جهت نیست که رژیم‌های استبدادی همیشه و در همه جای دنیا تیغ سانسور را بر گردن هنرمندان نیز می‌فشارند.

در عرصه سینما نیز هنرمندان شریفی با انقلاب همراهی کردند. اما عرصه سینما با خوانندگی تفاوت‌های عمیقی دارد. خواننده می‌تواند حتی در یک مخفیگاه آهنگی بخواند و منتشر کند. اما نمی‌توان فیلمی خلاف دستگاه سانسور بدون دوره‌ای از آزادی نسبتاً ثابت یافته، ساخت و به نمایش درآورد. ولی یک سینماگر مردمی و معترض می‌تواند مستقیماً در عرصه سیاست با مردم همراه شود و ما در این دوره با صغی از سینماگرانی مواجه هستیم که از محبوبیتشان، که محصول درجه‌ای از روحیه انتقادی آنها یا محصول تن‌ندادن به تمایلات دستگاه حاکم است، برای همراهی با انقلاب استفاده کردند. انقلاب به این هنرمندان شریف و معترض نیز که چهره‌های شناخته‌شده‌ای هستند فرجه داد تا با زبان تندتری علیه دستگاه جبار حرف بزنند و خیابان را همراهی کنند.

ترانه علی‌دوستی یکی از چهره‌های سینمایی است که سال‌هاست استوری‌هایش پر از انتقاد به نظام و یا دفاع از زندانیان سیاسی و زنان و علیه اعدام و تجاوز و نیروهای سرکوب است و در مقابله با ممنوع‌الکار شدن به‌خاطر بی‌حجابی تودهنی محکمی به حاکمان زد و نوشت: «از روسری زوری که در فیلم‌هایتان در حمام و اتاق‌خواب هم سر ما می‌گذارید، هنوز دارد خون می‌چکد، هنوز دارد خون می‌چکد. من پارچه‌ای که خواهرانم را کشت راه برای فیلم‌های شما به سر نمی‌کنم.» پانته‌ای یکی دیگر از اهالی سینما نیز در همین رابطه نوشت: «الهی، نیلوفر، توماج، یاسین، فاطمه

و... در زندان و دختران و پسرانی که چشم و جان دادند. ممنوع‌الکاری آخرین دغدغه من هم نیست.» کتایون ریاحی: «شرافتم اجازه کار در سینمای امروز را نمی‌دهد... شما کی باشید؟» رخشان بنی‌اعتماد هم قبل‌تر گفته بود: «هنرمند بی‌اعتنا به شرایط جامعه، هنرمند نیست. هنرمند، مزدور و رعیت اربابان پادگانی نیست که سر به امربری خم کند.» جرم همه آنها این بود که حجابی که از آن خون می‌چکد را حاضر نشدند به سر کنند و به اشکالی انقلاب زن زندگی آزادی را همراهی کردند. بعضاً با صدها طنز و کنایه و انتقاد علیه اسارت یک جامعه و اعدام و شکنجه و زورگویی و تجاوز و سانسور یا علیه گشت ارشاد و نیروی انتظامی انتقاد و اعتراض کرده‌اند و محبوبیت بیشتری پیدا کرده‌اند.

در همین زمینه «تفنگت را زمین بگذار» یا «زبان آتش»، شعری از فریدون مشیری بود که توسط شجریان در جریان خیزش ۸۸ خطاب به نیروهای سرکوبگر خوانده شد و در مهر ۱۴۰۱ در اوج انقلاب و سرکوب، صد نفر از سینماگران در بیانیه‌ای خطاب به سرکوب‌کنندگان مردم بیانیه‌ای تحت همین عنوان منتشر کردند و

وقتی شروین حاجی‌پور ترانه «برای» را در مهر سال قبل خواند، تنها در عرض ۴۸ ساعت ۴۰ میلیون نفر آن

را بازدید کردند. این ترانه در روزهای اوج انقلاب، احساس یک جامعه به‌پاخاسته را به شیوه هنری زیبایی بیان کرد و ورد زبان مردم شد، در تجمعات دسته‌جمعی خوانده شد، مرزهای ایران را درنوردید و توسط خواننده‌های مختلف غیرفارسی‌زبان هم اجرا و جهانی شد. این ترانه بسیار زیبا و غنی بود؛ اما با فورس انقلاب با چنین انفجاری از استقبال مواجه شد. توماج صالحی یکی دیگر از خوانندگان انقلاب است که خشم یک جامعه را علیه دستگاه حاکم، مقامات و مزدوران حکومت در قالب هنر اعتراضی بیان می‌کرد، مقامات حکومت را به سخره می‌گرفت و مردم را به شرکت در اعتراضات خیابانی تشویق می‌کرد، آهنگ‌هایش موردنیاز انقلاب بود، به دل مردم می‌نشست و به انقلاب گرمای بیشتری می‌داد. مهدی یراحی خواننده دیگری است که به‌ویژه با آهنگ‌های «زن زندگی

و «روسریتو دربیار» زنان شجاع و بی‌حجاب را در مقابل دستگاه سرکوب نمایندگی کرد. سرودهای انقلابی و زیبایی نیز توسط دانشجویان دانشگاه هنر مانند سرود «آزادی»، سرود «نه»، «فریاد جاودان ما» و «سوگند» و... اجرا شد و سرودها و ترانه‌های دیگری نیز مانند «بیزارم از دین شما» توسط صبا ضامنی، «برپاخیز» علی‌ندیمی، و رستاخیز از «امیر طوطیان» در یک سال گذشته خلق شد و با استقبال وسیع مردم مواجه گردید.

انقلاب زن زندگی آزادی مثل همه انقلابات دیگر به هنر و ترانه و شعر و سرود و فیلم و تئاتر و رمان و انواع و اقسام هنر

نیاز دارد، مثل زمینی تشنه آنها را جذب می‌کند و هنرمندان خود را بزرگ می‌کند. هنرمندانی به میدان می‌ایند و روح و احساس جامعه را بیان می‌کنند، به آن تعین بیشتری می‌دهند، به دلیل موقعیت اجتماعی‌شان طیف وسیعی از مردم در داخل کشور و در سطح جهان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و به تقویت انقلاب کمک می‌کنند. اینجا باید از خدانور هم اسم برد. جوانی انقلابی که توسط حکومت در زاهدان به قتل رسید و رقصش الهام‌بخش بسیاری از جوانان دیگر شد تا با تکرار رقصش او را راج نهند.

درعین‌حال این انقلابی زنانه است و طبیعی است که بخش زیادی از ترانه‌ها و سرودها و هنرهای این دوره رنگ و بوی زنانه دارد.

در تاریخ ایران هیچ دوره‌ای نمی‌توان سراغ گرفت که هنر و هنرمندان از کوچک‌ترین آزادی برخوردار بوده باشند. آنچه به‌اصطلاح آزاد بوده «هنر» «دریاری» و یا «هنر» «اسلامی» و دستوری بوده است و اگر هنر و هنرمندی در دوره‌ای گل کرده است، آنجایی بوده که پا را از خط‌قرمز دستگاه سلطنت و اسلام بیرون گذاشته و گوشه‌ای از درد ورنج مردم و یا اعتراض و تمایلات آزادی‌خواهانه آنها را به نحوی بیان کرده است. اما

هنرمندان و هنر انقلابی

از صفحه ۳

این انقلاب نهایتاً با پیروزی خود به سلطه صدها ساله استبداد و دنیار و مذهب بر فرهنگ و هنر پایان خواهد داد و آنگاه هنر و هنرمند می‌توانند نفس بکشند و شکوفا شوند و هزاران هنرمند دیگر به میدان بیایند. انقلاب فقط برای در هم شکستن سلطه سیاسی حکومت اسلامی نیست، برای شکم‌زدن جامعه در همه زمینه‌ها است از جمله در زمینه فرهنگ و هنر.

اما در عین حال هنر زمانی به معنی واقعی کلمه شکوفا می‌شود که به تسلط طبقه حاکم در زمینه اقتصاد پایان داده شود. باید همه زنجیرها گسسته شوند تا امکانات مادی شکوفایی هنر برای همه مردم فراهم شود و خلاقیت‌های یک جامعه امکان بروز پیدا کند. زنجیرهای سیاسی و خفقان سیاسی و فرهنگی نیز زمانی به طور پایدار و عمیق درهم‌شکسته می‌شوند که زنجیرهای اقتصادی و تسلط اقتصادی طبقه اقلیت حاکم پاره شوند.

بنابراین، هر هنرمند پیشرو و آزاده‌ای اگر به معنی واقعی کلمه خواهان شکوفایی هنر باشد چاره‌ای جز این ندارد که به معنی عمیق کلمه انقلابی باشد. انقلابی به معنی نخواستن نه تنها سانسور و ممیزی و سرکوب، بلکه همچنین نخواستن بنیادهای اقتصادی و سیاسی و مذهبی طویله اسلامی، یعنی رهایی همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه. آنگاه با انقلابی عظیم در عرصه هنر و طغیانی از هنر به معنی واقعی کلمه، هنر غیردولتی و غیردستوری، هنری که روح یک جامعه را غنا می‌دهد، مواجه خواهیم شد.

و نکته آخر اینکه، در طول انقلابی که از شهریور ۱۴۰۱ شروع شد بیش از صد نفر از هنرمندان عرصه سینما و تئاتر و موسیقی به دلیل همراهی با انقلاب دستگیر شدند که برخی از آنان همچنان در زندان به سر می‌برند. صدها هنرمند دیگر هنر نیز تحت انواع اذیت و آزار، زندان و شکنجه قرار گرفته که بعضاً با وثیقه آزاد شده‌اند. ده‌ها نفر از جمله توماج صالحی، مهدی یراحی و سامان یاسین و همین‌طور تعداد قابل‌توجهی از شاعر و نویسنده و کاریکاتوریست تا نقاش و بازیگر و مجسمه‌ساز در زندان به سر می‌برند. به همان اندازه که انواع و اقسام طیف‌های مردم در این انقلاب شرکت دارند، زندان‌های سیاسی نیز که انعکاسی از خود جامعه است، فعالینی از همه طیف‌های جامعه را در بر می‌گیرد. باید همه جامعه، از کارگر و سینماگر تا دانشجو و بازنشسته، از معلم و دانش‌آموز تا خواننده و ورزشکار و پزشک و پرستار و نویسنده برای آزادی هنرمندان انقلاب و کلیه زندانیان سیاسی به میدان بیایند و سیستم قضایی و سرکوب را عقب برانند.*

از آنها خواستند سلاح‌های خود را زمین بگذارند. آنها روی مسئله حساسی که به بود نبود حکومت مربوط است انگشت گذاشتند و مورد تهدید و پرونده‌سازی قرار گرفتند و بعضاً دستگیر شدند؛ اما ده‌ها نفر از سینماگران دیگر در عکس‌العمل به سرکوبگری حکومت و در همراهی با مردم آبادان که دچار فاجعه متروپل شده بودند، به این بیانیه پیوستند.

تحت حکومت ایدئولوژیک و قرون وسطایی اسلامی که نه تنها آزادی‌های سیاسی بلکه هر نوع آزادی اجتماعی نیز سرکوب شده است، هنرمندان نیز تحت انواع و اقسام محدودیت‌ها قرار دارند و به آن و خیلی ستم‌های دیگری که به مردم می‌شود، معترض‌اند و انقلاب هر روز بخش بزرگ‌تری از آنان را به میدان می‌آورد. این یک نقطه قوت انقلاب است که افشار مختلف مردم، حتی طیف‌هایی که وضعیت مرفه‌تری دارند، به دلیل محدودیت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی در مقابل رژیم قرار دارند و به انقلاب نیرو می‌دهند. انقلاب میدان را برای آنها باز می‌کند و آنها نیز متقابلاً میدان را بازر می‌کنند.

هنر برای شکوفایی به آزادی تمام‌عیار نیاز دارد، به عدم دخالت دولت و مذهب و به آزادی بی‌قید بیان و نقد و طنز و به آزادی برای درافتادن با همه تعصبات جاهلانه اخلاقی، نیاز دارد همانطور که کل جامعه به آنها نیاز دارد. در برنامه یک‌دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری، از آزادی کامل و بی‌قید و شرط انتقاد و نقد، آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه و لغو هر نوع ارجاع در قوانین به به اصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره به‌عنوان عامل محدودکننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم صحبت شده است و در بند دیگری هر نوع مقوله «مقدسات» ملی و میهنی و قس علی‌هذا را که به ناگزیر آزادی نقد و گردن‌نهادن را از انسان‌ها می‌گیرد، بی‌اعتبار اعلام می‌کند. این آزادی‌ها باید متحقق شود تا هنر نیز از هر قید و بندی رها گردد. انقلاب زن زندگی آزادی به قدرت توده‌های مردم انقلابی، زنان و جوانانی که اشتیاق به آزادی و رهایی از دستگاه ظلم و جور اسلامی همچون آتشفشان دریند کشیده‌ای آنها را به میدان کشاند، بندهای استبداد در زمینه هنر را نیز به درجانی متزلزل کرد و اجازه داد دموکراسی کنترل بر عرصه هنر، هرچند محدود، دستخوش ضعف و ناتوانی شود.





فدرالیسم، از توهم تا فاجعه

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در تلویزیون کانال جدید

صورت مسئله ستم ملی است و نه راه حل آن. احزاب ناسیونالیستی که طرفدار فدرالیسم قومی هستند به نظر من در خلاف جهت حل ستم ملی حرکت می کنند. یعنی به جای رفتن به طرف حل تبعیضات ملی و تفاوت های ملی آن را تثبیت می کنند. فدرالیسم قومی نه تنها پاسخ مسئله ستم و تبعیض ملی نیست؛ بلکه عملاً در خدمت نهادینه کردن و تثبیت آن است.

حسن صالحی: طرفداران فدرالیسم ایران را یک جامعه کثیرالملله می دانند و معتقدند فدرالیسم بهترین شکل خودگردانی و دخالت اقلیت های ملی در امور سیاسی و اداره جامعه است. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: مبنای جامعه مدنی شهروندان هستند و نه گروه های قومی و اتنیکی یا مذهبی. این ویژگی است که جامعه مدنی را در نقطه مقابل جوامع فئودالی و ملوک الطوائفی که بر نژاد و مذهب و قومیت مبتنی بودند قرار می دهد. جامعه مدنی یا سیویل یعنی جامعه ای که بنا به اصل یک نفر یک رأی، بنا به رأی افراد، و نه رأی و نظر گروه های قومی و مذهبی و اتنیکی و غیره، مقامات و سیستم و نظام حکومتی را تعیین می کند.

چنین جامعه ای یک دستاورد انقلاب کبیر فرانسه علیه فئودالیسم بود. مفهوم و مقوله "کثیرالملله" بودن جوامع در نقطه مقابل جامعه مدنی قرار دارد. این در واقع نوعی عقب گرد و بازگشت به دوره فئودالیسم و تعریف سیستم و حکومت بر مبنای طوایف و اقوام است.

"کثیرالملله" یک اصطلاح و تعبیر پست مدرنیستی است که اجزاء دیگر آن نسبت فرهنگی و تعدد فرهنگی (مولتی کالچرالیسم) و کلاً سیستم فکری ای است که اول جامعه را به موزائیک های مختلف تقسیم می کند و بعد می خواهد با دعوتشان به همزیستی و به تحمل یکدیگر و وعده حقوق ویژه و "خودگردانی" و غیره آنها را دور هم نگه دارد! خود را پست مدرن می نامند؛ ولی در واقع پیشامدرن هستند و نوعی رجعت به دوره قرون وسطی را نمایندگی می کنند. این نظریه، برخلاف توهم پیروانش، عامل اتحاد ملی نیست، نسخه فروپاشی جامعه است.

هر کس می تواند خط کشی بردارد و جامعه را به اشکال مختلف تقسیم بندی کند. می توان گفت جامعه "کثیرالمذهب" است یا "کثیرالنژاد" است و

حسن صالحی: در میان نیروهای اپوزیسیون شماری از احزاب و گروه های عمدتاً ناسیونالیست و اتنیکی طرفدار نظام فدرالیستی از نوع قومی آن در ایران هستند. آیا فدرالیسم می تواند جوابگوی رفع ستم ملی باشد؟ آیا فدرالیسم زمینه ساز کشمکش های قومی نخواهد شد؟ در برنامه این هفته پاسخ درباره همین موضوع به گفتگو می نشینیم.

حمید تقوایی، حزب دموکرات کردستان و دیگر نیروهای ناسیونالیستی و اتنیکی سیستم فدرالی را یک دموکراسی پیشرفته برای رفع تبعیض و ستم ملی می دانند؟ نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: اگر نیروی واقعاً بخواهد مسئله تبعیض و ستم ملی را حل کند طبعاً نباید هویت های ملی را برجسته کند. رفع ستم و تبعیض ملی با تقسیم بندی های سیاسی اجتماعی بر اساس هویت های ملی به دست نمی آید، قضیه برعکس است. باید این هویت ها را کنار زد و آنها را مبنای هیچ سیاست و دولت و نظامی قرار نداد. باید انسان بودن همه شهروندان و ارزش های جهان شمول انسانی را مبنای گرفت.

در مورد هر نوع تبعیضی این امر صادق است. مثلاً برای رفع تبعیض جنسیتی، برای اینکه زن و مرد کاملاً برابر باشند، نباید رجوع کنید به جنسیت شهروندان در قوانین یا در موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد. در مورد مذهب و ستم مذهبی هم این امر صادق است. برای پایان دادن به هر تبعیضی در قدم اول باید همه شهروندان را به عنوان انسان های متساوی الحقوق و مستقل از جنسیت و یا مذهب و ملیتی که خود را متعلق به آن می دانند یا به آنها نسبت داده شده به رسمیت شناخت. تا آنجا که به تبعیض و ستم ملی مربوط می شود راه حل انسانی مسئله عبارت است از تضمین حق تحصیل و فعالیت های ادبی و فرهنگی به زبان مادری، ایجاد شرایط اقتصادی و اجتماعی برابر برای همه استان ها و مناطق کشور و ممنوعیت هر نوع رجوع به ملیت (و همچنین مذهب و جنسیت و نژاد) افراد در قوانین مدنی و اداری و قانون کار و آگهی ها و شرایط استخدامی و دیگر موازین و مناسبات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی. هر نوع رجوع به ملیت ها یا هویت های اتنیکی یا تقسیم بندی های ملی اتنیکی چه در سطح سیاسی، چه فرهنگی و چه اقتصادی، در نقطه مقابل این راه حل واقعی و انسانی تبعیض و ستم ملی قرار می گیرد و مبنای تفرقه خواهد بود و نه اتحاد و یکپارچگی.

از این نقطه نظر فدرالیسم ملی - اتنیکی یک نوع عارضه و جزئی از

سراسری است. در سیستم فدرال اداری (نظیر آمریکا و آلمان) اختیارات فدرالها بر این مبنا تقسیم شده اما حتی در سیستم‌های غیر فدرالی نیز تصمیمات و اقداماتی در اختیار مقامات استانی و ایالتی است. حتی در مواردی شهرها هم اختیارات ویژه خود را دارند. این شیوه اصولی و درستی است که در همه جوامع باید بکار گرفته بشود؛ ولی این به تقسیم‌بندی قومی اتنیکی جامعه و خودگردانی ملی ربطی ندارد. از نظر ما هم در سطح سراسری و هم منطقه‌ای قدرت باید در دست مردم باشد. مردم باید بتوانند هم مسئولین را هم در سطح منطقه‌ای انتخاب و عزل و نصب کنند و هم در سطح سراسری.

وقتی به اصل تفویض قدرت به مردم عمل کنید دیگر بحث انحصار قدرت در دست مرکز و تمرکززدایی و غیره کنار زده می‌شود. چون که صد آید نود هم پیش ما است. سؤال اساسی مرکز و منطقه نیست؛ بلکه این است که قدرت در دست کیست، در دست یک اقلیت و الیت سیاسی، حال چه در منطقه و چه در مرکز، و یا در دست توده مردم؟ پاسخ ما به مسئله مرکزگرایی این دعوای است.

حسن صالحی: در تاریخ معاصر ایران معمولاً احزاب ناسیونالیست اتنیکی خواهان حق تعیین سرنوشت و خودمختاری بودند. چرا امروز به فدرالیسم روی آورده‌اند؟ آیا این خود یک گام به‌پیش است و یا یک گام به پس؟

حمید تقوایی: به نظر من یک گام به عقب است. یک عقب‌گرد تاریخی نه فقط در ایران بلکه در کل دنیا. اجازه بدهید کمی بیشتر توضیح بدهم.

آن دوره‌ای که احزاب ناسیونالیستی منطقه‌ای مثل حزب دموکرات کردستان خواهان خودمختاری و حق تعیین سرنوشت بودند دوره جنگ سرد بود. یک طرف بلوک شوروی بود و یک طرف بلوک غرب و در کشورهایی مثل ایران و ترکیه که دولت مرکزی به کمپ غرب متعلق بود احزاب ناسیونالیستی منطقه‌ای نظیر حزب دموکرات کردستان به کمپ شوروی متمایل بودند. حق تعیین سرنوشت، خودمختاری و غیره بر مبنای سیاست‌ها و تئوری‌هایی بود که چپ روسی مطرح می‌کرد. حتی ناسیونالیسم عرب مثل بعثیسم و ناصریسم نیز خود را نوعی سوسیالیسم عربی می‌نامید. همین‌طور احزابی در کردستان ایران، در کردستان عراق، و در کردستان ترکیه خود را متعلق به کمپ چپ می‌دانستند. همچنان که حتی همین امروز هم حزبی مثل حزب دموکرات کردستان خود را سوسیال‌دموکرات می‌داند.

در حال آن زمان صحبتی از فدرالیسم در میان نبود به‌خاطر اینکه نه در فرهنگ چپ سر به شوروی و نه حتی در بلوک غرب در آن دوره فدرالیسم جایی نداشت. بحث بر سر خودمختاری و حق تعیین سرنوشت بود.

بعد از فروپاشی شوروی نه فقط در این رابطه بلکه در یک سطح عمومی صورت مسئله‌ها و ارزش‌ها و استراتژی‌ها عوض شد. در آن دوره همه نیروهای سیاسی، در اپوزیسیون و پوزیسیون، مدعی و خواهان جامعه مدنی و یکپارچه بودند؛ اما بعد از شوروی، در دوره سلطه بلامنازع سرمایه‌داری بازار آزاد، و "نظم نوین جهانی"، آنچه به یک گفتمان مسلط تبدیل شد و در

فدرالیسم، از توهم تا فاجعه از صفحه ۵

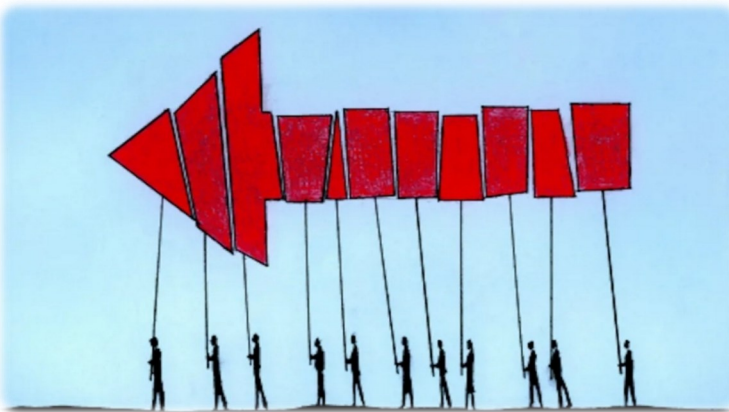
یا هر تقسیم‌بندی دلخواهی دیگری. ولی اگر می‌روید سراغ نظام اجتماعی، می‌روید سراغ نوع حکومت، می‌روید سراغ قوانین و مناسبات اقتصادی - سیاسی در جامعه، باید این نوع تقسیم‌بندی‌ها را کنار بگذارید.

باید خواستار جامعه‌ای مستقل از و ماورای همه این تقسیم‌بندی‌ها بود. جامعه‌ای که در عین اینکه تفاوت‌های زیبایی و فرهنگی را به رسمیت می‌شناسد و حقوق مساوی، از جمله حق تحصیل و فعالیت فرهنگی به زبان مادری، را برای همگان تأمین می‌کند، هویت ملی - مذهبی - قومی افراد را برجسته نمی‌کند و آن را مبنای سیستم حکومتی و قوانین و موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد قرار نمی‌دهد. نفس کثیرالملله تعریف کردن جامعه از پیش راه‌حل انسانی تبعیض و ستم ملی را موقوف به محال می‌کند. با عزیزت از مقوله کثیرالملله تنها می‌توان به برجسته‌تر شدن هویت‌ها و تفاوت‌های ملی و تقسیم‌بندی و تفرقه بیشتر در جامعه رسید؛ یعنی به اصطلاح امروز به یک جامعه موزائیکی! از این رو من فکر می‌کنم اصولاً مقوله کثیرالملله را در مورد هیچ جامعه‌ای نباید پذیرفت. همانطور که اسلامی بودن جامعه را که حکومت مدعی آن است نباید پذیرفت.

حسن صالحی: معمولاً طرفداران فدرالیسم استدلال می‌کنند که فدرالیسم خوب است چون که قدرت سیاسی را تقسیم می‌کند و از تمرکز قدرت در دست دولت مرکزی جلوگیری می‌کند. رابطه فدرالیسم و تمرکززدایی قدرت چه هست؟

حمید تقوایی: وقتی از تقسیم قدرت صحبت می‌شود باید پرسید تقسیم قدرت بین چه کسانی؟ این "خود" در نظریه "خودگردانی" فدرالها چه کسی است؟ احزاب اتنیکی می‌خواهند قدرت در مناطق و استان‌های مختلف تقسیم شود. سؤال این است که در هر منطقه قدرت در دست کیست؟ احزاب و سازمان‌های فدرالیست خود را نماینده قوم و ملیت خود و صاحب قدرت در منطقه خود فرض می‌کنند. این در واقع نوعی سهم‌خواهی در قدرت حکومتی است. از نظر آنان تقسیم قدرت بین مناطق یعنی احزاب ملی منطقه‌ای هر یک بتوانند بر قوم یا ملیتی که ادعای نمایندگی آن را دارند حکمرانی کنند. این در واقع تقسیم قدرت بین ناسیونالیسم مرکز و ناسیونالیسم‌های منطقه‌ای است. فدرالیسم قومی عملاً یعنی قدرت مرکزی در دست ناسیونالیست‌های فارس و قدرت منطقه‌ای در دست ناسیونالیست‌های قومی؛ در دست احزاب و تشکل‌های کرد و بلوچ و ترک و عرب و آذری و ترکمن و لرستان و کهگیلویه و بویراحمد و لک و غیره که در بیانیه‌ها و کنفرانس‌هایشان نام می‌برند. در طرح فدرالیست‌های ایران برای هر یک از این نیروها سهمی از قدرت در نظر گرفته شده. این نوع تقسیم قدرت به مردم ربطی ندارد. از نظر ما و هر نیرویی که واقعاً خواهان دخالت همه شهروندان در سرنوشت سیاسی و اداره جامعه است، قدرت باید در دست توده مردم باشد، چه مردم در مرکز و چه مردم مناطق و استان‌های مختلف.

در همه جوامع قوانین و تصمیم‌گیری‌هایی محلی، و قوانین و تصمیمات



فدرالیسم، از توهم تا فاجعه از صفحه ۶



رسانه‌ها و افکار عمومی دست بالا را پیدا کرد دیدگاه‌ها و ارزش‌های مذهبی و ناسیونالیستی و قومی اتنیکی بود. جوامع ملغمه‌ای از مذاهب و ملیت‌ها و اقوام و اتنیک‌ها در نظر گرفته شدند و دموکراسی تبدیل شد به برقراری نوعی بالانس میان این نیروها. این یک جامعه موزائیکی در مقابل جوامع یکپارچه بر مبنای ارزش‌های مشترک و همگانی و مابه‌ازای سیاسی فلسفه پست‌مدرنیستی است که اصولاً به ارزش‌های همگانی و جهان‌شمول باور ندارد.

یک نمونه و نتیجه فاجعه‌آمیز این دیدگاه فلسفی - سیاسی فاجعه یوگسلاوی بود. در یوگسلاوی قبل از فروپاشی شوروی هیچ‌کس یادش نبود که مونته‌نگرو است و یا صرب است یا هرزگوین و کروات و کوزوو است. همه شهروندان کشوری به اسم یوگسلاوی بودند. اما بعد از فروپاشی شوروی هر بخش جامعه به یاد آورد - به عبارت دقیق‌تر نیروهای ناسیونالیست دواتشه به یادش آوردند - که تاریخچه و «افتخارات» ویژه‌ای دارد، از قوم و نژاد متفاوتی است، فرهنگش متفاوت است، ملیتش متفاوت است و غیره و غیره. این زمینه‌ساز جنگ داخلی و همسایه‌کشی خونباری شد و نهایتاً جامعه را از هم پاشاند و به هفت پارچه تقسیم کرد.

در دوره ما هم بحث فدرالیسم قومی مبتنی بر همان گفتمان و بینشی است که یوگسلاوی را از هم پاشاند. امروز این بینش در قالب "نظام فدرالیستی" تبدیل شده به پرچی در دست نیروهای ناسیونالیستی که قبلاً خواهان خودمختاری و حق تعیین سرنوشت بودند.

نکته دیگری که در شرایط امروز ایران باید توجه داشت این است که پرچم‌دار و نیروی اصلی فدرالیسم در ایران حزب دموکرات کردستان است. برای این حزب فدرالیسم قبل از هر چیز موضعی دفاعی است در برابر تعرض ناسیونالیسم فارس که همیشه تحت لوای حفظ تمامیت ارضی و مقابله با تجزیه‌طلبی، نیروها و احزاب و مردم کردستان را کوبیده است. طرح فدرالیسم از سوی حزب دموکرات اعلام این است که ما تجزیه‌طلب نیستیم بلکه، منطبق با گرایش مسلط سرمایه‌داری بازار آزاد پسا شوروی، خواهان جوامع موزائیکی هستیم و قدرت منطقه‌ای در یک نظام فدرالی برای ما کافی است.

مطلوبیت دیگر فدرالیسم برای حزب دموکرات این است که نیروهای ناسیونالیست مناطق دیگر را نیز با خود شریک می‌کند. قبلاً شعار حزب دموکرات "دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" بود. الان شعارش فدرالیسم برای همه اقوام و گروه‌های اتنیکی در ایران است. این مسئله را از چارچوب صرفاً رابطه کردستان با قدرت مرکزی خارج می‌کند و آن را تعمیم می‌دهد به تمام گروه‌های اتنیکی که قبلاً حتی خواهان خودمختاری هم نبودند و سابقه درگیری ای با دولت مرکزی نداشتند؛ بنابراین بحث دیگر بر سر خودمختاری برای کردستان نیست؛ بلکه طرحی است که همه راه از بلوچ و آذری و عرب تا بویراحمد و لک و ترکمن، به یاد آباء و اجداد خود می‌اندازد و قدرت محلی را به همه وعده می‌دهد.

به نظر من این طرح عقب‌تر از خودمختاری است. چون "دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" اولاً جامعه مدنی ایران را به رسمیت می‌شناخت و خواهان لغو دیکتاتوری بود و ثانیاً مسئله ملی را در چارچوب کردستان مطرح می‌کرد که به‌رحال زمینه تاریخی عینی و واقعی ای دارد. اما طرح فدرالیسم و هویت‌سازی ملی برای همه گروه‌های اتنیکی

سیستم سیاسی کل جامعه را به عقب می‌کشد و آن را به جامعه شقه‌شقه شده بر مبنای هویت‌های اتنیکی قومی تبدیل می‌کند. همان‌طور که پست‌مدرنیسم رجعت به نظام‌های ماقبل مدرنیسم است، نسخه فدرالیسم هم از حتی جدائی و خودمختاری عقب‌تر است.

حسن صالحی: معمولاً در دفاع از سیستم فدرالی جوامع صنعتی نظیر آمریکا و آلمان و کانادا را مثال می‌زنند. آیا به نظر شما فدرالیسم در این کشورها هم عقب‌مانده و ارتجاعی است؟

حمید تقوائی: نکته اول این است که فدرالیسم در کشورهایی که نام بردید اتنیکی نیست، بلکه اداری است. مثلاً کشور آمریکا بر مبنای اقوام یا ملیت‌های مختلف به قدرت‌های فدرالی تقسیم نشده؛ بلکه ایالت‌های مختلف در اداره امور محلی خود اختیارات معین و تعریف شده‌ای دارند. در آلمان و کانادا هم همین‌طور است.

اما در ایران مسئله متفاوت است. شما اگر به لیست احزاب و سازمان‌های فدرالیست نگاهی بیندازید متوجه می‌شوید که همه نیروهای ناسیونالیستی قومی و اتنیکی هستند و به‌زعم خودشان به‌خاطر حل ستم ملی فدرالیسم را مطرح می‌کنند. فدرالیسم موردنظر این نیروها هیچ مشابهتی به فدرالیسم آمریکا و آلمان و غیره ندارد.

نکته دیگر اینکه زمانی که فدرالیسم در غرب مطرح شد مقطعی بود که کشورها داشتند تشکیل می‌شدند. فدرالیسم در واقع چسب درونی و حلقه‌ای بود که افراد و گروه‌های مختلف را با پیشینه‌های مختلف قومی ملی اتنیکی، که میراث دوران فئودالی بود، در قالب یک ملت و کشور همبسته می‌کرد. اگر آمریکا به نظام فدرالی روی نمی‌آورد حداقل بخش جنوب و شمالش دو کشور می‌شد. یا اگر کانادا فدرال نمی‌شد به دو کشور فرانسوی‌زبان و انگلیسی‌زبان تجزیه می‌شد. آلمان و سوئیس هم به همین ترتیب. این کشورها برای اینکه یک ملت - کشور بزرگ‌تر و فراگیرتری را تشکیل بدهند نظام فدرالی را برگزیدند.

فدرالیست‌های ایران اما دنده‌عقب گرفته‌اند. یک کشور و جامعه واحد فی‌الحال

اعتراضات در نفت و کارزار حمایت از کارگران



شهلا دانشفر

گذاشته‌اند.

بازنشستگان نفت در اعتراضات هفدهم آبان‌ماه خود با فریاد شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" هم‌صدا با دیگر بخش‌های بازنشستگان پرچم اتحاد طبقاتی کارگری در مبارزه علیه فقر و فساد را در نفت و در سطح جامعه برافراشته‌تر کردند و این یک اتفاقی سیاسی مهم در مبارزات کارگران نفت است و به یک معنا همانطور که در نوشته دیگری اشاره کردم یک مصداق واقعی این شعار اعتراضات هم‌زمان بازنشستگان در کف خیابان و کارگران نفت در مراکز نفتی است. دو قطب مهم اعتراضی در جامعه که به یکدیگر نیرو می‌دهند، توازن قوا را برای مبارزات کل کارگران در سطح جامعه بهبود بیشتری می‌بخشند و تنور مبارزات مردمی علیه جهنم جمهوری اسلامی را داغ‌تر می‌کنند.

بدین ترتیب اعتراضات در نفت با حرکت پر شتاب خود می‌رود تا سراسری شود و به نقطه عطفی تحول‌بخش در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و به حرکت در آوردن موج قدرتمندتری از انقلاب تبدیل شود و سازمان یافتن کارگران رسمی نفت نه تنها مبارزات در بخش نفت را قدرتمند خواهد کرد، بلکه در قدرت‌گیری اعتراض و متحدشدن همه کارگران در همه بخش‌های تولیدی، پروژه‌ای، خدماتی و غیره در مقابل کارفرمایان و سیستم حکومتی حامی آنان هم تأثیر فراوان خواهد داشت.

این چنین است که در یکم آبان‌ماه بود که حزب کمونیست کارگری کارزار حمایت از کارگران نفت را در دستور خود گذاشت. هدف این کارزار قراردادن این اعتراضات مهم به مرکز توجه جامعه و جهان و جلب وسیع‌ترین همبستگی‌های مردم با آن است. گزارش اقدامات تا کنونی در این کارزار را متعاقباً اشاره خواهیم کرد.

در اینجا تأکید من بر اتحاد مبارزاتی همه بخش‌های نفت و پیوستن به روزهای اعتراضی اعلام شده از سوی بخش‌های معترض کارگران نفت است. تأکید من بر شکل‌گیری شوراهای سازماندهی اعتراضات کارگری در بخش‌های مختلف نفت و بهره‌گیری از تجربه کارگران پروژه‌های پیمانی نفت است. این کار کمک بزرگی به پیشبرد متحدانه اعتراضات و تدارک برای رفتن به سوی اعتراضات سراسری در نفت خواهد بود.

اعتراضات کارگران نفت به تعرضات معیشتی حکومت و دزدی‌ها و اختلاس‌ها، اعتراضات کارگران نفت علیه ساختارهای پایه‌ای سیاسی اقتصادی حکومت با خواست خروج پیمانکاران چپاولگر از محیط‌های کار و رسمی شدن انواع و اقسام قراردادهای برده‌وار کاری همه‌وهمه موضوعات اعتراض بخش عظیمی از کارگران و کل جامعه است. تأکید من به‌ویژه بر حمایت همه‌جانبه کارگران معلمان، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها، پرستاران و کادر درمانی و بخش‌های مختلف جامعه از اعتراضات کارگران نفت است. صدای کارگران نفت در ایران و در جهان باشیم. روزشماری از اعتراضات کارگران رسمی نفت که از نیمه‌های مهر سر بلند کرد و اعتراضات گسترده در نفت از آن تاریخ تا کنون ضمیمه این نوشته است. این روزشمار تصویری روشنی از پیشروی قدرتمند اعتراضات در نفت به دست می‌دهد.

گزارشی کوتاه از کارزار نفت

استارت کارزار حزب کمونیست کارگری در حمایت از کارگران نفت در یکم آبان‌ماه زده شد. اقدام میدانی در راستای کارزار حمایت از کارگران نفت برگزاری آکسیونهای اعتراضی در حمایت از این کارگران در خارج کشور است. در این هفته در کانادا در تورنتو و ونکوور، در آلمان در کلن و فرانکفورت، در

اعتراضات در نفت همچنان در حال گسترش است. این اعتراضات با پیشروی‌های بیشتر خود کیفیت جدیدتری به خود می‌گیرند و هر روز بخش‌های بیشتری به آن می‌پیوندند. تجمعات اعتراضی هر روزه کارگران در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری و گسترش دامنه این اعتراضات به شرکت‌های مختلف عملیاتی در فلات قاره و مناطق نفت‌خیز جنوب و مسجدسلیمان و ماهشهر و غیره، به میدان آمدن کارگران جدیدالاستخدام رسمی در این مناطق، وارد میدان شدن بازنشستگان نفت و نیز گسترش دامنه اعتراضات به دیگر بخش‌های شاغل در نفت گستردگی اعتراضات در این صنعت کلیدی که شاه‌رگ اقتصادی حکومت است را به نمایش می‌گذارد. اعلام روزهای اعتراضی یکشنبه‌ها، دوشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها از سوی کارگران رسمی معترض در مناطق مختلف عملیاتی نفت و اولتیماتوم دادن‌های کارگران به تداوم مبارزاتشان نشانی از درجه اتحاد و سازمان‌یافتگی این مبارزات است.

اعتراضات سال‌های اخیر کارگری در نفت ضربه محکمی بر فضای پادگانی مراکز نفتی زد. انقلاب زن زندگی آزادی ضربه را بر این فضا کاری‌تر کرد و امروز کارگران رسمی نفت که بیشترین فشارهای امنیتی بر آنان وارد می‌آمد، به میدان آمده و تجمع می‌کنند و صدای اعتراضشان را بلند کرده‌اند و این یک اتفاق مهم در نفت است که راه را برای سراسری شدن اعتراضات در این مرکز کلیدی بازتر کرده است.

در بستر چنین شرایطی و پایان یافتن دوره ایزوله ماندن اعتراضات در نفت به‌خاطر شرایط پادگانی آن امروز شاهد بازتاب گسترده‌تر اخبار اعتراضات کارگران نفت در سطح جامعه هستیم و مدیای اجتماعی لحظات این اعتراضات را هر روزه پوشش می‌دهد. از جمله شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت یک مرجع مهم بازتاب اعتراضات نفت در جامعه و جلب حمایت و همبستگی از آن است. در همین راستا روز ۱۴ آبان‌ماه هفت تشکل از کارگران، بازنشستگان و نهاد دفاع از حقوق زن طی بیانیه‌ای حمایت و پشتیبانی خود را از اعتراضات کارگران نفت اعلام داشتند. در بخشی از بیانیه حمایتی آنها چنین آمده است: "اعتراضات کارگران رسمی نفت، فشار اساسی و تعیین‌کننده بر دولت وارد خواهد آورد و آن را مجبور به پاسخگویی خواهد کرد و پی‌آمد هر پیروزی و موفقیت کارگران نفت زمینه‌ساز پیروزی‌ها و موفقیت‌های کارگران در همه بخش‌های دیگر خواهد شد. وظیفه همه ما کارگران، معلمان، بازنشستگان، بیکاران و همه انسان‌های خواهان رفاه و آسایش است که از مبارزات کارگران رسمی نفت حمایت کنیم".

همچنین یک اتفاق مهم در اعتراضات روزهای اخیر تجمع بازنشستگان نفت با شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" بود. بازنشستگان نفت همچون دیگر بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی و علیه دزدی‌ها و اختلاس‌ها در صندوق‌های بازنشستگی اعتراض دارند. نکته مهم این است که کارگران رسمی نفت نیز در کنارشان ایستاده و تعرض به معیشت بازنشستگان را امری مربوط به خود دانسته و در اعتراضات گسترده بیش از یک‌ماهه‌شان با اعلام خواسته‌هایی چون لغو محدودیت حق سنوات بازنشستگی و اجرای کامل ماده ده که بهبودی در حقوق‌ها می‌دهد و شمول آن به همه کارگران شاغل و بازنشسته از ۹ سال پیش یعنی از ابتدای تصویب این قانون، پرداخت بک-پی ماده ده و توقف دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، صف مبارزاتی متحد خود را با بازنشستگان به نمایش

کنفرانس حمایت از کارگران نفت با موفقیت برگزار شد

امکان ملاقات با خانواده‌هایشان را ندارند. در همان جایی که کار می‌کنند زندگی می‌کنند، غذا می‌خورند، در خوابگاه‌های کارگری می‌خوابند و بعد به سر کار بر می‌گردند. این شرایط نشان می‌دهد که کار در نفت جزو کارهای سخت و بسیار زیان‌آور است و باید شامل شرایط و امتیازات ویژه این نوع کار رده‌بندی شود". او همچنین بر اعتصاب سراسری کارگران نفت تأکید کرد.

در این کنفرانس تعدادی از فعالین کارگری و معلم دعوت شده بودند که هر یک در همین راستا و در حمایت از کارگران نفت سخنانی ایراد کردند. اسامی شرکت‌کنندگان در این کنفرانس عبارت بود از: پیمان شجیراتی کارگر سابق گروه ملی فولاد اهواز، واله زمانی عضو سندیکای نقاشان البرز و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، فرهاد میرزایی از فعالین معلم، عباس ماندگار از اتحادیه کارگران در کانادا، جمشید پوران پیر از سندیکای کارگران خدمات عمومی در ژنو، و ته‌مین صادقی عضو فری دم ناو و عضو بخشی از کمیته همبستگی بین‌المللی اتحادیه کیوپی.

کلیپ‌هایی از اعتراضات کارگران نفت و بازنشستگان در لایه‌لای برنامه پخش شد. همچنین پیام حمایتی دبیرکل اتحادیه سندیکاهای سویس پیر ایو مایارد (Pierre-Yves Maillard) و لیزا مازون (Lisa Mazzone) نماینده مجلس سنای این کشور از حزب سبزها از کارزار حمایت از کارگران نفت به اطلاع کنفرانس رسانده شد. اتحادیه سندیکاهای سوئیس در برگزیده ۳۶۰ هزار عضو است. این اتحادیه قبلاً نیز کارزار Free Them Now برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار (آی ال او) را امضا کرده و به آن پیوسته است.

سه پیام نیز از دو نفر از کارگران نفت و دیگر مراکز کارگری در جلسه قرائت گردید. بعلاوه کلیپ پیام حمایتی شش تشکل از کارگران، بازنشستگان و دفاع از حقوق زن که در حمایت از کارگران نفت صادر شده بود به کنفرانس ارائه گردید. بدین ترتیب کنفرانس، پر شور در حمایت از کارگران نفت با موفقیت برگزار شد.

این کنفرانس بخشی از کارزار و کمپین حمایت از کارگران نفت توسط فری دم ناو است و این کارزار ادامه خواهد یافت. هدف ما قراردادن اعتراضات کارگران نفت در مرکز توجه جامعه و جلب حمایت وسیع اجتماعی از مبارزات این کارگران است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۵ نوامبر ۲۰۲۳، ۱۴ آبان ۱۴۰۲

Shahla.daneshfar@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

لینک کنفرانس:

<http://tiny.cc/m0n9vz>



CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

کمپین برای آزادی کارگران زندانی روز ۱۴ آبان کنفرانسی را در حمایت از اعتراضات کارگران نفت در تلویزیون کانال جدید برگزار کرد. میثم عتیق از کانال جدید گرداننده این کنفرانس بود و اولین سخنران این کنفرانس شهلا دانشفر سخنگوی این کمپین بود. او در سخنانش ضمن تشکر از شرکت‌کنندگان در این نشست اشاره‌ای بر جایگاه مهم سیاسی اعتراضات کارگران نفت در متن شرایط پر التهاب انقلابی جامعه و جنبش کارگری کرد و بر اهمیت حمایت از مبارزات کارگران نفت تأکید نمود. شهلا دانشفر در بخشی از سخنانش گفت: "ابعاد گسترده اعتراضات در نفت می‌تواند بستر شکل‌گیری اعتراضات سراسری در این مرکز کلیدی کارگری باشد و مستقیماً بر اعتراضات کارگری در سطح جامعه تأثیر می‌گذارد. همچنین بر تداوم انقلاب قدرت می‌بخشد. ما می‌خواهیم اعتراضات در نفت به مرکز توجه جامعه و جهان تبدیل شود و فراخوان من به حمایت وسیع کارگران و همه مردم از این اعتراضات است. ما می‌کوشیم صدای کارگران نفت در جهان باشیم". او همچنین به اتحاد مبارزاتی کارگران نفت و بازنشستگان تأکید کرده و گفت: "در آخر جا دارد به اعتراضات حماسی بخش‌های مختلف بازنشستگان که نبض تپنده تداوم انقلاب هستند بپردازم. بازنشستگان که با شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" و با فریاد "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید"، پرچم اتحاد طبقاتی مبارزه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی را به دست گرفته‌اند و امروز اعتراضات نفت در کنار بازنشستگان یک مصداق عملی این اتحاد است. درود می‌گویم به بازنشستگان. بازنشستگان نیز شایسته بیشترین حمایت و پشتیبانی مردمی هستند.

کاظم نیکخواه مسئول روابط بین‌المللی کمپین برای آزادی کارگران زندانی در بخش پایانی کنفرانس ضمن تأکیداتی بر اهمیت حمایت از مبارزات کارگران نفت و تشکر از سخنرانان و تلویزیون کانال جدید، از جمله گفت: "... کارگران نفت شایسته بیشتری حمایت‌ها هستند. این کارگران حتی از حد معمول شرایط کار و زندگی متوسط کارگران هم محروم‌اند. مراکز نفتی معمولاً در وسط دریاها یا مناطق دوردست و گرم و خالی از سکنه و دور از امکانات شهری قرار دارد. کارگران نفت اکثر ماه‌ها

گزارش تصویری آکسیونهای حمایتی از کارگران نفت در شهرهای مختلف

تورنتو: ♦



ادامه در صفحه ۱۱

◆ فرانکفورت:

◆ کُن:



◆ خورنینگن:



◆ مالمو:



کارگر با کار خود ارزش اضافه تولید می‌کند و این ارزش اضافه نه فقط سرمایه را رشد می‌دهد، بلکه بخشی از آن به اجاره و بهره زمین و بهره بانکی و مالیات و در آمد واسطه‌ها و دلان بی‌شمار اختصاص می‌یابد. حقیقت این است که همین ارزش اضافه ایجاد شده توسط کارگر است که هزینه دولت، ادارات، ارتش و نیروی سرکوب و زندان و کل درآمد اجتماعی را تأمین می‌کند. هرچه کارگر بهتر کار کند دشمنانش ثروتمندتر و قوی‌تر می‌شوند.

(کاظم نیکفواہ - سرمایه داری را بشناسیم)

فدرالیسم، از توهم تا فاجعه از صفحه ۷

موجود است، هیچ کس در این جامعه به فکر تقسیم قدرت نبوده است، حتی مردم استان‌هایی مثل کردستان و بلوچستان و آذربایجان، چه برسد به قشقایی و ترکمن و لک و غیره، خود را هم سرنوشت و هم درد بقیه مردم ایران می‌دانند. درد مردم انحصار قدرت مرکزی نیست؛ بلکه این است که قدرت مرکزی ارتجاعی است، دیکتاتور و سرکوبگر و ضد مردم است حتی ضد مردم تهران. فقر، بی حقوقی، کشتار و سرکوب سراسری است. به همین خاطر مردم شعار می‌دهند "همه با هم هستیم" و "کرد و بلوچ آزادی و برابری". در انقلاب زن زندگی آزادی کرد و بلوچ و آذری و هرکسی به هر ملیتی منسوب شده به خاطر نبود آزادی، به خاطر نبود برابری، به خاطر نبود رفاه، به خیابان‌ها آمده است.

در چنین جامعه‌ای مطرح کردن فدرالیسم، بر خلاف آمریکا و آلمان و سوئیس در بدو تأسیس خود، به قهقرا بردن جامعه است. آن جوامع اگر در آن مقطع تاریخی پرچم فدرالیسم را بلند نمی‌کردند چندین تکه می‌شدند و به یک کشور واحد نمی‌رسیدند. کشور ایران فی الحال وجود دارد و جامعه متحد هست. متحد نه حول هویت‌های قومی و ملی یا علیه انحصار قدرت در مرکز، بلکه حول هویت مشترک انسانی علیه یک حکومت دیکتاتور و سرکوبگر و ضد انسان در سراسر کشور. استاندار کردستان که به زبان کردی هم صحبت می‌کند تسمه از گرده مردم کردستان می‌کشد و امام جمعه و مقامات محلی در تبریز هم قدرت محلی‌شان را علیه مردم هم‌زبان و هم ملیت خود بکار می‌گیرند. می‌خواهم بگویم اتحاد مردم و مبارزه مردم علیه دیکتاتوری در سراسر ایران است و مردم در همه استان‌ها خودشان را همراه و همبسته با هم و هم سرنوشت با هم می‌دانند. روشن است که در چنین جامعه‌ای شعار و خواست فدرالیسم هیچ پایگاهی ندارد.

فدرالیسم را همانطور که گفتم احزاب ناسیونالیستی اتنیکی علم کرده‌اند برای سهم‌خواهی از قدرت. هدف و نقطه عزیمتشان این است و به همین خاطر رجوعشان به آمریکا و آلمان و دیگر کشورهای فدرال کاملاً بی‌معنا است. قیاس مع‌الفارق است.

نتیجه فدرالیسم قومی تنها می‌تواند فروپاشی جامعه باشد. می‌تواند به یک جنگ همسایه‌کشی. در ایران منجر بشود. ممکن است نیروهای طرف‌دار فدرالیسم نیت خیری داشته باشند؛ ولی شما وقتی سیاست را بر اساس تقسیم‌بندی ملی - اتنیکی افراد و بخش‌های مختلف جامعه قرار بدهید دیگر نمی‌توانید جلوی ناسیونالیسم افراطی و راسیسم و همسایه‌کشی. را بگیرید. افراطی‌ترین نیروهای قومی ملی‌نژادی به جلو رانده خواهند شد - از همین امروز داریم نمونه‌هایش را می‌بینیم -، در مقابل هم صف‌آرایی خواهند کرد، و نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک‌نشان. شهر به شهر و ده‌ده‌ده بخصوص در شهرهایی که در مرز استان‌های مختلف قرار دارند مثل پیرانشهر و نقده جنگ حیدر نعمتی برپا خواهد شد، سیستان و بلوچستان دو شقه خواهد شد و غیره و غیره.

به نظر من تأکید بر اقوام و ملیت‌ها و هویت‌های اتنیکی نسخه فروپاشی جامعه است. نسخه به جان هم انداختن همسایه به همسایه است. طرح فدرالیسم قومی در ایران مستقل از نیت مطرح‌کنندگان کاملاً ضدانسانی و ارتجاعی است. ایران با فدرالیسم سوئیس نمی‌شود، یوگسلاوی می‌شود.

۹ نوامبر ۲۰۲۳

اعتراضات در نفت و کارزار حمایت از کارگران از صفحه ۸

سوئد در مالمو و در شهر خرونینگن هلند آکسیون‌هایی به این مناسبت برگزار شد. از سوی تشکیلات حزب کمونیست کارگری در شرق کانادا در تورنتو در سیزدهم آبان‌ماه در پلازای ایرانیان این آکسیون برگزار گردید و بابک یزدی دبیر تشکیلات خارج سخنران آن بود. به همین مناسبت در همین روز آکسیونی در شهر خرونینگن هلند برپا گردید. همچنین در مالمو در سوئد و کلن و فرانکفورت در آلمان آکس یون‌هایی به مناسبت گرامیداشت یاد آرمیتا گراوند و همچنین در همبستگی با کارگران نفت در ایران برگزار گردید. در کلن نسان نودینیان از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری سخنرانی کرد و در سخنانش بر پیوستن به کارزار حمایت از کارگران نفت تأکید کرد.

از سوی دیگر نهاد فری دم ناو (کمپین برای آزادی کارگران زندانی) کارزار حمایت از کارگران نفت را در دستور گذاشت. کنفرانسی. آنلاین در تلویزیون کانال جدید با شرکت جمعی از فعالین کارگری و یکی از معلمان معترض از ایران و فعالینی از اتحادیه‌های کارگری در سوئیس و کانادا برگزار شد. در شهر ونکوور کانادا نیز از سوی همین نهاد در چهاردهم آبان‌ماه آکسیونی اعتراضی در مقابل آرت گالری برگزار شد. بعلاوه یک اقدام مهم کمپین برای ایجاد تشکل‌های کارگری بازتاب جهانی اخبار اعتراضات کارگران نفت است. در این رابطه این نهاد طی نامه‌ای به اتحادیه‌های مختلف کارگری جهانی، این اتحادیه‌ها را به همبستگی با کارگران فراخواند. تاکنون اتحاد کارگران و کارکنان خدمات دولتی ونکوور و حومه در کانادا (BCGEU) با ۸۵۰۰۰ عضو، بزرگ‌ترین اتحادیه کارگری سوئیس با بیش از ۳۶۰ هزار عضو و لیزا مازون نماینده مجلس سنای این کشور از حزب سبزها همبستگی خود را با کارگران نفت و خواست‌ها و مبارزاتشان اعلام داشته‌اند. در کنفرانس همچنین سه تن از کارگران نفت در پیام‌هایی پر شور از کنفرانس حمایت کرده و از مردم طلب حمایت و همبستگی کردند.

گفتنی است که طی مدتی که کارزار حمایت از کارگران نفت جریان دارد، اخبار هر روزه اعتراضات این کارگران همراه با کلیپ‌هایی از تصاویر اعتراضات به طور برجسته‌تری در تلویزیون کانال جدید بازتاب یافته و در مدیای اجتماعی حزب انعکاس پیدا کرده است. از جمله برای پیشبرد این کارزار و جلب‌توجه وسیع جامعه به جایگاه مهم اعتراضات کارگران در برنامه‌های مختلف تلویزیونی به صورت گفتگو و میزگرد و نیز به صورت نوشتاری در نشریات مختلف حزب مباحث مربوط به اعتراضات نفت مورد بحث قرار گرفته است.

کارزار حزب برای حمایت از کارگران نفت ادامه دارد. ما سعی می‌کنیم از طریق همایش‌ها و برپایی آکسیون‌های اعتراضی در کشورهای مختلف جهان و گرفتن حمایت‌های بین‌المللی و برنامه‌های ویژه حمایت از کارگران نفت در کانال جدید و بازتاب وسیع اخبار این اعتراضات در سطح جامعه و جهان صدای کارگران نفت باشیم و این کارزار را با قدرت به جلو ببریم.*

زن زندگی آزادی

یعنی به گور سپردن حکومت و سلطه مذهبی
و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی از
زندگی مردم!

کشتار در غزه، استیصال در جمهوری اسلامی



محسن ابراهیمی

اما خیلی زود معلوم شد که محاسبات حکومت اسلامی از پایه پوچ است. دقیقاً برعکس شد. معلوم شد که هر تلاش و تقلاي حکومت برای استفاده سیاسی از فضای جنگی، به ضد خود حکومت تبدیل می‌شود. پرچم فلسطین را در استادیوم ورزشی هوا کردند، اما پاسخ دندان‌شکن از جوانان گرفتند. مجسمه قاسم سلیمانی را در جریان مسابقه با تیم عربستان در ورزشگاه علم کردند، با فریاد ورزش با سیاست نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم پاسخ گرفتند. دانش‌آموزان در مقابل شعار مرگ بر اسرائیل حکومتی‌ها شعار دادند "مرگ بر فلسطین" که انزجارشان از استفاده شایدانه حکومت از درد و رنج مردم فلسطین برای نابودکردن کودکی و نوجوانی‌شان را نشان دهند. خیابان‌ها را با تصویر پرچم اسرائیل و آمریکا پر کردند اما مردم راهشان را کج کردند تا از روی آن پرچم‌ها رد نشوند.

همه اینها به‌خوبی و روشنی نشان می‌دهد که تیر حکومت به هدف نخورده است. نشان می‌دهد که شکاف سیاسی و اجتماعی میان مردم و حکومت آن‌چنان عمیق است که در هر فضایی به قول مادران دادخواه بین ما و حکومت فقط یک جمله باقی است: "قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان!"

هدف منطقه‌ای: "محور مقاومت" نیروی اصلی در سیاست "عمق استراتژیک" جمهوری اسلامی است. این محور قرار است با موشک‌پرانی و ترور و گروگان‌گیری و اخاذی سیاسی، چهره قدرتمندی از جمهوری اسلامی در منطقه به نمایش بگذارد. در میان ده‌ها باند و گروه تروریستی در عراق و سوریه و کل منطقه، حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی نیروهای مهمی هستند. زنده و فعال نگاه‌داشتن این نیروها آن‌قدر مهم است که حکومت اسلامی همچنان حمایت‌های مالی و نظامی و لجستیکی گسترده‌اش از آنها را از جیب مردم ایران و به قیمت فقر و فلاکت میلیونی مردم تأمین می‌کند.

در چند سال و مخصوصاً ماه‌های اخیر، "پیمان ابراهیم" و سرعت روابط دیپلماتیک میان دولت‌های منطقه با اسرائیل خبر از شکل‌گیری یک اجماع منطقه‌ای در مقابل حکومت اسلامی و محور مقاومتش می‌داد. این نزدیکی‌ها همان قدر که ممکن است دریچه کوچکی برای نزدیک شدن به راه‌حل دو دولت اسرائیل و فلسطین در کنار هم باز کند، به همان اندازه می‌تواند دریچه‌ها را در مقابل ادامه تغذیه سیاسی جمهوری اسلامی از درد و رنج مردم فلسطین ببندد.

پی‌تردید یک فاکتور مهم و دخیل در توحش ۱۷ اکتبر با اسم رمز "طوفان الاقصی" برهم‌زدن این روند بود. اما همه شواهد نشان می‌دهد که اینجا هم سر جمهوری اسلامی به سنگ خورد. درست است در روند مناسبات دولت‌های عربی و اسرائیل توقف حاصل شده است، اما حتی در اوج نسل‌کشی اسرائیل، همین دولت‌های منطقه دارند در باره راه‌حل دو دولت در کنار هم و ادامه رابطه با اسرائیل صحبت می‌کنند. خامنه‌ای خطاب به همین "دولت‌های مسلمان" التماس کرد که "قافیه را نیازند" و حماس را "تروریست" خطاب نکنند که آنها برای این استغاثه رهبر خودگمارده مسلمین تره هم خرد نکردند. نماینده امارات متحده عربی در سازمان ملل حملات حماس را وحشیانه خواند. حتی محمود عباس هم اعلام کرد حماس نماینده مردم فلسطین نیست. مصر میانجیگری راه انداخت و این وسط حتی جواب تلفن وزیر بهداشت حکومت اسلامی برای سرک کشیدن هم که شده نداد و این مهم است که برای اولین بار آن‌هم در بیهوده خونریزی اسرائیل در نوار غزه بیرون انداختن رهبران حماس از قطر در میان محافل سیاسی مطرح شده است. می‌بینیم که در قلمرو منطقه‌ای هم سر حکومت اسلامی به سنگ خورد است.

جمهوری اسلامی قطعاً در توحش ۱۷ اکتبر حماس علیه شهروندان اسرائیل نقش مستقیم داشت. اهدافی را دنبال می‌کرد که خیلی زود معلوم شد به آنها نخواهد رسید. در ادامه تاریخ ۷۵ ساله اشغال و جنایت‌های اسرائیل علیه مردم فلسطین و در انتهای جنگی که این بار حماس آغاز کرد و با کشتار پرچمانه مردم غزه توسط دولت اسرائیل ادامه دارد، هم اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در راس آن و هم جریان راست حاکم در اسرائیل تضعیف‌شده‌تر بیرون خواهند آمد. این یک تراژدی اسفناک است که دو نیرو در برپاکردن آن نقش دارند: دولت مذهبی نژادپرست و فاشیست حاکم در اسرائیل و جریان اسلامی به همان اندازه نژادپرست و فاشیست در منطقه و در رأس جمهوری اسلامی. راه‌حل نهایی معضل فلسطین، تشکیل دو کشور و دو دولت مستقل است و آن‌هم در گرو راهی از شر این دو نیروی ارتجاعی است.

جمهوری اسلامی در این جنایت مستقیماً نقش داشت!

این سؤال همچنان در فضا می‌چرخد که آیا حکومت اسلامی در تهاجم ۱۷ اکتبر حماس مستقیماً نقش داشت؟ هرکسی. اخبار را دنبال می‌کند قاعدتاً به اندازه کافی فاکتور در دست دارد که نشان می‌دهد حکومت اسلامی پشت این جنایت بوده است. سران حکومت اسلامی و حسن نصرالله از قتل عام برق‌آسای بیش از ۱۴۰۰ شهروند اسرائیل به‌عنوان حماسه یاد کردند. خامنه‌ای در مدح و ثنای این جنایت سر از پا نشناخت. وزیر خارجه‌اش چپ و راست اولتیماتوم داد که دست همه - منظور حماس و حزب‌الله و سایر نیروهای نیابتی - روی ماشه شلیک است! رئیسی خودفروبی کرد که به‌زودی ان‌شاءالله در مسجدالاقصی نماز خواهند خواند. رجزخوانی سرداران سپاه دوباره گل کرد. حتی آخوندهای حکومتی که شاید تصور می‌کردند قشون اسلام قلعه‌های دشمن را فتح کرده است در باره شرعی بودن تجاوز به اسرای زن اسرائیلی به‌عنوان غنیمت جنگی در تلویزیون رسمی برنامه گذاشتند.

و در میان این نمایش رذالت و جنایت، احمد عبدالهادی نماینده حماس در لبنان در مصاحبه با "نیوزویک" رسماً فاش کرد که "ما در بالاترین سطوح قبل، حین و بعد از حمله به اسرائیل با حزب‌الله و ایران هماهنگ بودیم." آری، حکومت اسلامی به‌خاطر نیاز مبرم سیاسی مستقیماً در جنایت ۱۷ اکتبر نقش داشت.

آیا حکومت اسلامی به اهدافش رسید؟

حکومت اسلامی از عملیات جنایت‌کاران حماس هدف دلایه‌ای داشت. داخلی و منطقه‌ای و در هیچ‌کدام از این دو قلمرو هم به اهدافش نرسیده است و نخواهد رسید.

هدف داخلی: همه می‌دانیم که با انقلاب زن زندگی آزادی حیات و بقای حکومت اسلامی به‌طور جدی به خطر افتاده است. این حکومت نگران موج بعدی انقلاب است که می‌تواند به طوفانی قدرتمند تبدیل شود. این حکومت که زیر پایش در داخل خالی شده است، روی "محور مقاومت" در منطقه برای بقای سیاسی‌اش در داخل همیشه حساب کرده است و امروز بیشتر از همیشه حساب می‌کند. سران حکومت اسلامی روی این حساب کرده بودند که "طوفان الاقصی" علیه شهروندان اسرائیل می‌تواند برای مدتی هم که شده فضای سیاسی در ایران را به ضرر مردم در کمین نشسته تغییر دهد. فکر می‌کردند فضای جنگی نیروهای نیابتی‌اش با "دشمن صهیونیستی"، فضای جنگ مردم علیه دشمنشان در ایران را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

فدرالیسم، از توهم تا فاجعه

از صفحه ۱۳

استیصال و عقب‌نشینی آشکار حکومت اسلامی

فاصله رجزخوانی با تسلیم، در فرهنگ و رفتار سیاسی جمهوری اسلامی بسیار کوتاه است. کسانی که روزهای اول بعد از "طوفان الاقصی"، طوفانی از رجزخوانی راه انداخته بودند، یک‌باره "عاقل" شدند. عقب نشستند. اعلام برائت کردند که اصلاً در راه‌انداختن این "طوفان" نقشی نداشته‌اند. خامنه‌ای اعلام کرد که "پیشانی و بازوی طراحان مدبر و هوشمند جوانان فلسطینی را می‌بوسیم؛ اما این کار، کار خود فلسطینی‌هاست". یعنی کار خوبی کردند در یک روز ۱۴۰۰ زن و مرد و کودک را به شکل فجیعی قتل عام کردند؛ اما خامنه‌ای خبر نداشت! همان خامنه‌ای که برای پایان یافتن عمر "رژیم غاصب" بارها وقت تعیین کرده است، یک‌باره در نقش "میانجیگر" ظاهر شد که ممکن است "مسلمانان و نیروهای مقاومت بی‌تاب" شوند و آنگاه او نمی‌تواند "جلوی آن‌ها را بگیرد". حسن نصرالله هم که گفت همان روز شنبه از "طوفان" خبردار شده است!

لاف و گزاف‌های اولیه و اعلام برائت‌های بعدی به این خاطر بود که خیلی زود متوجه شدند هوا پس است. وقتی ددمنشی. حماس در "طوفان الاقصی" با "شمشیرهای آهنین" و درنده‌خوئی نتانیاهو و کابینه آدم‌کشش آن‌هم در مقیاس یک نسل‌کشی تمام‌عیار پاسخ گرفت؛ وقتی احساس کردند حماس و حزب‌الله ضربات سنگینی خواهند خورد؛ وقتی دیدند ممکن است پای خود جمهوری اسلامی که در ایران روی آتش راه می‌رود به جنگی منطقه‌ای کشیده شود، آنگاه لحن‌ها عوض شد.

در چنین فضایی بود که روزنامه کویتی "السیاسه" به نقل از عبدالهادی، نماینده حماس در لبنان نوشت که ما "در معرض خیانت آشکار و وعده‌های دروغین ایران قرار گرفته‌ایم". این مهم است از این نظر که از همین‌الان دارد معلوم می‌شود که در نتیجه این اتفاقات، موقعیت جمهوری اسلامی حتی در میان نیروهای نیابتی‌اش هم تضعیف خواهد شد.

امکان گسترش دامنه جنگ به ایران و عواقب آن

از محاسبات غلط و خارج‌شدن اوضاع از کنترل که همیشه یک احتمال است صرف‌نظر می‌کنیم. اما نه دول غرب و مشخصاً آمریکا و حتی اسرائیل و نه مخصوصاً جمهوری اسلامی نمی‌خواهند ابعاد جنگ به کل منطقه سرایت کند. این را علناً اعلام کرده‌اند.

سران حکومت اسلامی به طور غریزی هم که شده متوجه هستند که موشک‌های "اسرائیل‌زن حاج‌قاسم" حریف ارتش مدرن و مجهز اسرائیل و رزم‌ناوهای حاضر در صحنه آمریکا نمی‌شوند و در نتیجه یک جنگ تمام‌عیار ممکن است کل زیرساخت‌های جامعه ویران شود؛ شیرازه جامعه از هم گسیخته شود و کل آن جامعه همراه بیت خامنه‌ای ویران شود. برای حکام اسلامی ویرانی جامعه‌ای که ۴۴ سال کمر به نابودی‌اش بسته‌اند مهم نیست، اما پول و ثروت و جاه و جلالشان در همین دنیا پیش از سقط شدنشان به آخرت که مهم است. از این سر هم که شده باید از درگیر شدن مستقیم در جنگ با آمریکا و اسرائیل پرهیز کرد.

اما مهم‌تر از این سران حکومت خوب می‌دانند که همان مردمی که کمین کرده‌اند تا در هر فرصت مناسب ضربات نهایی را بر پیکر این حکومت وارد کنند، می‌توانند هر فضای جنگی را به فرجه‌ای برای زدن ضربه نهایی تبدیل کنند. هراس حکومت از گسترش دامنه جنگ و مخصوصاً کشیده شدن مستقیم پای خودش به چنین جنگی اساساً از این سر است.

جنگ‌ها همیشه یک نتیجه ندارند. می‌توانند زمینه تقویت موقعیت حکومت "خودی" شوند. می‌توانند برعکس زمینه تقویت نیروهای شوند که قصد به پایین کشیدن حکومت "خودی" را دارند. می‌توانند با تحریک

احساسات ناسیونالیستی در مقابل دشمن خارجی، فضا را برای هر تحرک سیاسی ببندند؛ برعکس می‌توانند مردم بیشتری را به صف جنبش سرنگونی جذب کنند.

در ایران کنونی، هر جنگی علیه این حکومت برخلاف جنگ ایران و عراق در دهه شصت "مانده آسمانی" نخواهد بود. جهنم زیر پایش را شعله‌ور خواهد کرد. زمان عوض شده است. مردم در دهه شصت زندگی نمی‌کنند. چندین بار در مقیاس گسترده به‌پا خاسته‌اند؛ به قدرت همبسته خود پی برده‌اند؛ پشت به امام‌جمعه شعار داده‌اند "پشت به دشمن، رو به میهن"؛ عربده‌های مرگ بر آمریکای حکومتی‌ها را با "دروغ می‌گن آمریکا است، دشمن ما همین‌جاست" پاسخ داده‌اند؛ و بالاخره همین سال گذشته با انقلاب زن زندگی آزادی حیات حکومت اسلامی را به خطر جدی انداخته‌اند. این مردم را حکام اسلامی نمی‌توانند با توسل به "دشمن خارجی"، پشت خود بسیج کنند. هراس حکومت از درگیر شدن در یک جنگ از چنین فضایی نشئت می‌گیرد.

حل مسئله فلسطین در گرو راهی از دو نیروی ارتجاعی است

این نظر در مقیاس وسیع‌تری می‌چرخد که سر مار در ایران است و برای حل مسئله فلسطین باید آن را در هم کوید. یعنی باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد.

اینجا تأکید بر دو نکته مهم است:

اولاً تبیین جریان‌ات راست این است که قرار است آمریکا و اسرائیل با مباران ایران این سر را در هم بکوبند تا این جریان‌ات راست در ویرانه‌های این مباران لاشخوری کنند.

ثانیاً، و این روی دوم همین سکه است. دولت‌های دست راستی حاکم در اسرائیل که بیش از هفتادسال است زندگی میلیون‌ها فلسطینی را به خاک سیاه نشانده است، در تبیین سیاسی جریان‌ات راست تطهیر می‌شود.

مگر می‌شود تصور کرد مردم فلسطین حتی یک روز هم که شده امنیت داشته باشند اگر جریان‌ات دست راستی همچنان در اسرائیل یک‌ه‌تازگی کنند؟ رئیس‌جمهوری اسرائیل قتل عام مردم غزه را این چنین توجیه کرد که "در غزه یک ملت است که مسئول است"، یعنی صاف‌وساده، می‌توان و باید این "ملت" را قتل عام کرد. وزیر اقتصادش علناً می‌گوید: "من می‌خواهم رزم، بجهام در امنیت بچرخند. این را برای فلسطینی‌ها نمی‌خواهم". با این نگاه رسماً و علناً نژادپرستانه است که در شهرک‌های ساخته شده وسط ساحل غربی، اولتراراست‌های مذهبی یهودی به راحتی فلسطینیان را به مسلسل می‌بندند. روشن است که نمی‌توان حتی یک قدم جدی برای حل مسئله فلسطین از طریق دو دولت در کنار هم گام برداشت مگر اینکه پای این جریان دست راستی، فاشیست و مذهبی از ساختار سیاسی حاکم در اسرائیل تماماً قطع کرد.

روشن است که یک پای اصلی و مهم مسئله فلسطین جریان‌ات اسلامی در فلسطین و منطقه و پدرخوانده آنها یعنی حکومت اسلامی - همان سر مار - در ایران هستند. این جریان از این زخم تاریخی تغذیه می‌کند. در فلسطین آزاد شده، در فلسطینی که مردم کشور و دولت خودشان را در کنار کشور و دولت اسرائیل دارند و در یک ساختار سیاسی مبتنی بر حقوق شهروندی توسط خود مردم فلسطین اداره می‌شود؛ جایی برای نیروهای اسلامی باقی نمی‌ماند که هیچ ربطی به آرمان دیرینه مردم فلسطین ندارند. جریان‌اتی که بنیاد ایدئولوژیکشان اسلام است و جامعه آرمانی‌شان حکومت اسلامی، جریان‌اتی که در جهت سیاست‌های جمهوری اسلامی رکن دیگر معضل فلسطین هستند، کنار زدنشان یک شرط پایه‌ای دیگر برای حل مسئله فلسطین است. درهم کویدن راس این جنبش ارتجاعی اسلامی، یعنی جمهوری اسلامی را انقلاب زن زندگی آزادی در دستور گذاشته است و به این اعتبار ادامه و پیروزی این انقلاب همراه بیرون کردن جریان ارتجاعی مذهبی از حاکمیت در اسرائیل، چشم‌انداز روشنی در مقابل راه‌حل دو کشور و دو دولت را خواهد گشود. *

جلوی اعدام‌ها متحدانه بایستیم!



حسن صالحی

ایجاد وحشت از اعتراضات بیشتر جلوگیری کند. اینکه این رژیم با زور و سرکوب بر اوضاع کنترل دارد. اما مدت‌هاست که این ترفندها بیشتر از آنکه رژیم را به هدف مرعوب ساختن جامعه نزدیک کند موجب خشم و اعتراضات بیشتر مردم شده است. ما تا به حال بارها دیده‌ایم که چگونه مردم در مقابل اعدام‌های جمهوری اسلامی صف آرایی کرده‌اند و حتی در مواردی رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرده‌اند. نجات سه تن از معترضین آبان ۹۸ یکی از این موارد است و موفقیت در توقف اعدام عباس دریس کارگری که در جریان اعتراضات آبان ۹۸ در ماهشهر دستگیر شده بود، نمونه دیگر است. همچنین واکنش خشمگین مردم بعد از حرف‌های پدر یک بسیجی که سال گذشته در درگیری با مردم کشته شد، و خواهان اعدام‌های بیشتر در انتقام خون پسرش بود، خود گواه دیگری است که مردم چقدر از تداوم اعدام‌ها در ایران معترض‌اند و از هر فرصتی برای بیان این اعتراض علیه رژیم آدمکش جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند.

همانطور که قبلاً نام بردیم در حال حاضر شش نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی در خطر اعدام قرار دارند و از سوی دیگر یکی از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی بنام غلامرضا رسایی با خطر اعدام مواجه است. شمار کسانی که با اتهاماتی نظیر "افساد فی الارض" و یا "محاربه" زیر تیغ اعدام قرار دارند کم نیست. جمهوری اسلامی این خیال خام را باید با خود به گور برد که می‌تواند با کشتار و آدمکشی و بگیروبیند، مردم را از تداوم اعتراضاتشان برای سرنگونی این رژیم بازدارد.

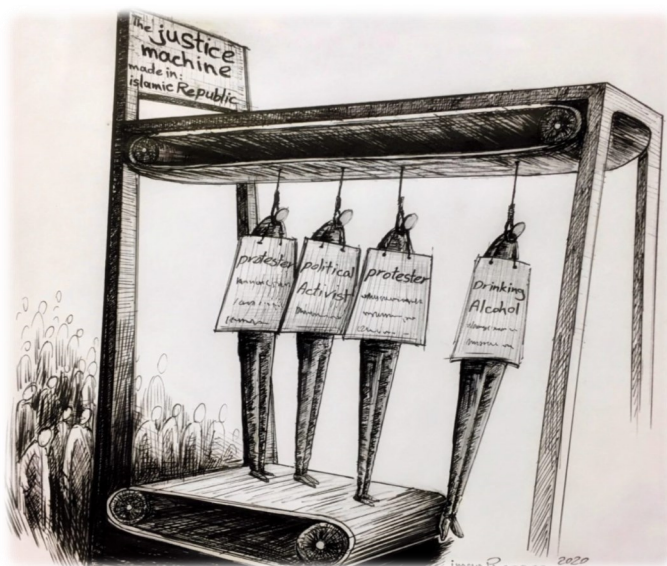
از همین رو بسیار مهم است که متحدانه علیه اعدام‌ها بپا خیزیم و علیه احکام اعدام زندانیان سیاسی و اعدام به هر دلیل و جرمی اعتراض کنیم. اگر اعدام یک ابزار سیاسی سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی است ما باید با اعتراضات خود این ابزار را درهم بشکنیم و راه خود را به جلو باز کنیم. یکی از محورهای انقلابی که ما سال گذشته علیه رژیم و نظام حاکم شروع کردیم دفاع از نفس زندگی بود. زندگی در مقابل مرگ و نیستی. زندگی در مقابل اعدام. زندگی خوب در مقابل فقر و سیه‌روزی. نام انقلاب ما با دفاع از حق حیات گرده خورده است. ما مخالف هر گونه جنایت حکومتی هستیم و معتقدیم که اعدام باید از قوانین کیفری تماماً حذف شود و این مجازات شنیع ضدانسانی تماماً ممنوع گردد. رسیدن به آزادی واقعی بدون درهم شکستن ابزاری مثل اعدام که حاکمین با توسل به آن می‌خواهند شهروندان را به انقیاد خود در آورند غیرممکن است. نه به اعدام و زنده‌باد آزادی و زندگی!

درحالی که جمهوری اسلامی به اعدام زندانیان جرایم عادی و به‌ویژه محکومین مرتبط با مواد مخدر به طور گسترده‌ای ادامه می‌دهد، در هفته گذشته یک زندان سیاسی عقیدتی بنام قاسم آبهسته را در زندان قزل‌حصار اعدام کرد. جنایت‌کاران اسلامی این زندانی سیاسی را پس از گذراندن حدود چهارده سال در زندان روز یکشنبه چهاردهم آبان ۱۴۰۲ به دار آویختند. قاسم آبهسته که اهل کردستان بود به همراه شش نفر دیگر که همگی سنی باور بودند به اتهام قتل دستگیر و سپس به اعدام محکوم شدند که این حکم ابتدا در دیوان عالی جمهوری اسلامی به دلیل نبودن شواهد کافی رد شد. پرونده این هفت زندانی عقیدتی که همگی عضو یک محفل مذهبی با باورهای سلفی بودند بار دیگر مورد بررسی قرار گرفت و این بار با حکم قاضی جلال ابوالقاسم صلواتی به اعدام محکوم شدند که دیوان عالی رژیم نیز این احکام اعدام را تأیید کرد. به این ترتیب اکنون بعد از اعدام قاسم آبهسته شش نفر دیگر از یارانش به اسامی انور خضری، کامران شیخه، فرهاد سلیمی، خسرو بشارت، ایوب کریمی و داود عبداللهی که همه در زندان قزل‌حصار محبوس هستند، در خطر اعدام قرار دارند.

احمدرضا حائری، زندانی سیاسی از زندان قزل‌حصار، طی نامه‌ای به نقل از یک هم‌بندی قاسم آبهسته گفته است «به‌صورت "خود معرف" شخصاً خود را به مقامات قضایی معرفی» کرده بود، اما در پی «پرونده‌سازی اداره اطلاعات ارومیه» و «شکنجه و انفرادی» با حکم اعدام مواجه شد. احمدرضا حائری همچنین به نقل از «یکی از هم‌پرونده‌های» قاسم آبهسته نوشت که «کل دادگاه دو دقیقه طول نکشید» و در آن جلسه «مقیسه گفت: اولاً گرد هستید، این یک اعدام! ثانیاً اهل سنت هستید این دو اعدام و ثالثاً تفکر سلفی دارید این سه اعدام... والسلام!» خود این اظهارات به اندازه کافی گویاست که روند دادرسی عادلانه حرف مفت است و اعدام‌ها کاملاً بار سیاسی دارند و تصمیمات از پیش و حتی قبل از برگزاری دادگاه‌های فرمایشی رژیم گرفته شده است.

واقعیت این است که اعدام همواره در جمهوری اسلامی یک ابزار سیاسی بوده است. ابزاری سیاسی در جهت سرکوب و ارباب جامعه. حتی اعدام‌های به اصطلاح غیرسیاسی نیز با همین هدف دنبال شده است. وگرنه جمهوری اسلامی به‌عنوان دزد و جانی حاکم نه دنبال مبارزه با جرم و جنایت در جامعه است و نه به فکر امنیت شهروندان است. آنچه که برای جمهوری اسلامی مهم است "امنیت" خودش در قبال مردمی است که این رژیم را نمی‌خواهند و می‌خواهند آن را به گور بسپارند. انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش‌های اعتراضی پیش از آن به شدت موقعیت جمهوری اسلامی را متزلزل کرده است. این رژیم که از عاقبت به زیر کشیدن خودش توسط مردم می‌ترسد به اعدام‌های بیشتری روی می‌آورد.

در واقع باید گفت اعدام‌های اخیر واکنشی به موقعیت ضعیف شده جمهوری اسلامی در شرایط بعد از تحولات انقلابی یک‌ساله گذشته است. جمهوری اسلامی فکر می‌کند با اعدام‌های بیشتر می‌تواند قدرت پوشالی خود را به رخ مردم بکشد. دست‌زدن به اعدام‌های بیشتر در زمانی که به‌ویژه اعتراضات خیابانی فروکش کرده است، از نظر جمهوری اسلامی فرصتی است که این رژیم "اقتدارش" را به مردم نشان دهد تا با



افزایش سه برابری اجاره‌خانه در دولت رئیسی



محمد شکوهی

* گزارش بانک مرکزی حکومت می‌گوید اجازه خانه تا مهرماه ۱۴۰۲ در تهران ۱۵۱ درصد و در کل مناطق کشور بیش از ۱۷۱ درصد افزایش داشته است. این افزایش از زمان آغاز دوره ریاست رئیسی است. این گزارش می‌گوید اجاره‌خانه از مهرماه پارسال تا مهرماه امسال در تهران ۵۴/۷ درصد و در سایر مناطق کشور به طور متوسط ۶۰/۸ درصد افزایش یافته است.

* در گزارش دیگری مرکز آمار اواسط این هفته اعلام کرد نرخ اجاره‌نشینی در تهران طی ۷ ماه اول امسال در مقایسه با سال گذشته، ۵۵ درصد افزایش داشته است.

اخبار گزارشات در باره گرانی اجاره‌خانه و مسکن به‌وفور در رسانه‌های حکومتی منتشر می‌شود و هر نهاد و ارگان حکومتی بسته به اینکه به کدام باند راس نظام وصل باشد، آمار و ارقام دست‌کاری شده و ساختگی‌اش را ارائه می‌دهد. مسئولان و متولیان حکومتی، در راس آنها وزارت مسکن و شهرسازی و دولت هر سال در بودجه‌بندی که به مجلس ارائه می‌دهند، شعار ساخت یک میلیون مسکن در سال را در بوق‌وکرنا کرده و ادعای ساخت مسکن میلیونی را طرح می‌کنند. طرح‌هایی که طبق ادعای حکومت قرار است مشکل کمبود مسکن را حل و گرانی اجازه خانه را مهار نماید؛ امری که بر عکس آن اتفاق می‌افتد. در این میان به اعتراف دست‌اندرکاران حکومت از وعده ساخت یک میلیون مسکن در سال گذشته حتی ۳۰۰ هزار واحد هم ساخته نشده و کمبود مسکن و پایه‌پای آن گرانی اجاره‌خانه ادامه دارد.

از طرح "مسکن ملی" که رئیسی سه سال پیش اعلام کرده به اعتراف دست‌اندرکاران حکومت رقمی نزدیک به ۳۲ درصد عملی شده که آن هم کمبودهایی دارد؛ بنابراین علی‌رغم ادعاهای حکومت، طرح مسکن ملی در رسیدن به اهدافش عملاً شکست‌خورده است.

در یک چنین وضعیتی نهادها و ارگان‌های شاغل در بخش صنعت مسکن حکومت رو به نوسازی و استانداردسازی مسکن‌های قدیمی آورده و با وقاحت می‌گویند هزینه نوسازی، به دلیل گرانی مصالح ساختمانی کمتر از ساخت مسکن جدید است. اینجا شهرداری‌ها و باند‌های حکومتی که در شهرهای بزرگ اکثر ساختمان‌های بزرگ و مجتمع‌های مسکونی را در دست دارند، با ادعای نوسازی وارد این تجارت پرسود شده و وام‌های کلانی گرفته، ضمن نوسازی خانه‌های قدیمی، قیمت اجاره‌خانه را افزایش داده و بدین ترتیب جمعیتی را که تا کنون در این خانه‌ها زندگی می‌کرده‌اند، با بالا بردن قیمت‌ها و اجاره‌ها مجبور به کوچ اجباری به حاشیه شهرها کرده‌اند. این پدیده به‌ویژه در کلان‌شهرها رایج است.

صنعت مسکن یک بخش پرسود اقتصاد کشور و در دست مافیای مسکن حکومت است. سیاست حکومت افزایش درآمد و سوددهی در این بخش است؛ بنابراین اکثر بساز و بفروش‌ها و مافیای بزرگ مسکن حکومت وارد کار در این عرصه شده‌اند. موضوعی که خود یک عامل اصلی افزایش اجاره‌خانه و کل مسکن شده است.

در اقتصاد جمهوری اسلامی دولت و سیاست‌هایش مهم‌ترین عامل کمبود مسکن و افزایش اجاره‌خانه هستند. صنعت مسکن در دست دولت و رقبای خصوصی گردآمده در کنسرن‌ها و مافیای عظیم زمین، بسازیفروش‌ها، تسهیلات و سرمایه‌های بانکی متمرکز شده است که هدف اصلی آنها "سودآور کردن بخش مسکن" و افزایش درآمدهایشان است. تمام طرح‌هایی که حکومت تا کنون در دستور خود داشته که مثلاً مسکن ارزان و باقیمت مناسب برای مردم بسازد، طرف قراردادش باندهای دیگر حکومت هستند که اهرم‌های اجرایی و مالی را در دست دارند. برای مثال وزارت مسکن و شهرسازی که مدعی است مسکن هم می‌سازد، یا بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان و ده‌ها شرکت بسازیفروش گردآمده زیر طرح‌هایی نظیر طرح "مسکن ملی". همه اینها عاملان و بانیان کمبود مسکن و گرانی هر روز اجاره‌خانه هستند.

همه این نهادهایی که اسم برده شد دست‌رسی وسیع به پول و اعتبار و تسهیلات بانکی عظیم و نجومی دارند. اینها پول و تسهیلات تحت عنوان مسکن‌سازی برای بخش‌هایی از هواداران حکومت خانه ساخته و درصدی را هم برای طرح‌های دیگر مسکن حکومت، نظیر مسکن مهر و مسکن ملی اختصاص می‌دهند تا زمینه دریافت پول و اعتبار برای ادامه ساخت‌وساز و

دزدی و سودآوری‌شان ادامه بدهند. طبق قوانین دولتی این شرکت‌ها در قالب دریافت پول و تسهیلات درصدی از خانه‌های ساخته شده را به دولت واگذار می‌کنند و دولت هم بر اساس قیمت‌های رایج در بازار آزاد، به متقاضیان ارائه می‌کند.

موضوع زمین برای مسکن هم جالب بوده و یک فاکتور بسیار مهم در افزایش هر روزه قیمت‌هاست.

برای تأمین زمین مناسب برای ساخت مسکن که عمدتاً در دست غول‌های اقتصادی حکومت و نهادهای پر قدرت نظامی و مالی رژیم هستند، مجریان طرح‌های حکومتی باید زمین را از دولت و مراجع و بخش‌ها از این غول‌های زمین‌دار بخرند. قیمت زمین را اینها تعیین می‌کنند البته به قیمت روز بازار که قیمت‌های بسیار گرانی است که خود این هزینه مسکن، به‌ویژه کرایه‌خانه را به بهانه گرانی زمین و محل خوب و باکلاس و... بالا می‌برد.

در این میان ماجرای طرح مسکن ملی هم جالب است. اینجا دولت و وزارت مسکن و شهرسازی و نهادهای درگیر در اجرای این پروژه‌های حکومتی بارها



افزایش سه برابری اجاره‌خانه در دولت رئیسی

از صفحه ۱۶

رژیم اعتراف کرده که در دو دهه گذشته ترکیب جمعیت مراکز شهرها و کوچ مردم به‌خاطر گرانی مسکن به مناطق ارزان‌تر، بالای ۳۴ درصد افزایش یافته است.

بر اساس آمارهای حکومت بیش از ۷۰ درصد حقوق‌ها و دستمزدهای مردم صرف پرداخت هزینه مسکن می‌شود. معنای این رقم کاهش قدرت خرید ۷۰ درصدی کارکنان جامعه است. هزینه مسکن در کنار گرانی هر روزه اقلام خوراکی و کالاهای اساسی مورد مصرف مردم، زندگی میلیون‌ها انسان کارکن را با مخاطرات جدی روبرو کرده است. تغییر در سبب غذایی، زدن از سایر هزینه‌های زندگی، فقط به‌خاطر یک سرپناه داشتن، زندگی میلیون‌ها نفر از مردم را رسماً به زیر خط فقر رانده است.

چرخ زندگی مردم عملاً نمی‌چرخد. برای پرداخت کرایه‌خانه ۶۰ متری با حداقل امکانات باید بالای ۲۵ میلیون تومان در ماه کرایه‌خانه پرداخت. با دستمزدهای ۹ میلیون‌تومانی در یک چنین وضعیتی هیچ زندگی حداقلی را نمی‌شود تأمین کرد. به همین خاطر خانواده‌ها ناچاراً چندشغله شده‌اند تا حداقل هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین کنند. داشتن خانه و مسکن برای مردم کارکن سال‌هاست که تبدیل به آرزو و کالای لوکس شده است. اجاره‌خانه‌ها هر روز بالا می‌رود. امید به خانه‌دار شدن عملاً تبدیل به یک رؤیای دست‌نیافتنی شده است. در این میان درصد بزرگی از مردم که کرایه‌نشین هستند، زندگی‌هایشان به‌سختی و با مرارت می‌گذرد.

آنچه مسلم است جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضد‌مردمی‌اش در عرصه ساخت‌وساز مسکن که بالا به آن اشاره شده، عامل اصلی افزایش اجاره‌بها و مسکن، کمبود ساختگی مسکن برای بالابردن قیمت مسکن و اجاره‌خانه، برای کسب درآمدهای افسانه‌ای برای مافیای کل حکومت در بخش صنعت مسکن است. تأمین مسکن مناسب هیچ موقع امر حکومت دزدان نبوده است. اولویت اصلی حکومت جنایت‌کار تضمین دزدی و چپاول، هزینه‌کردن برای دموستگاه سرکوب برای حفظ قدرتش در برابر تعرض مردم معترض است. برای پایان‌دادن به بی‌مسکنی، کرایه‌های بالا؛ برخورداری از یک مسکن مناسب و شایسته انسان امروزی؛ چاره‌ای جز به زیر کشیدن این نظام وارونه سرمایه‌داران تروریست اسلامی حاکم بر کشور نیست.

۹ نوامبر ۲۰۲۳

اعتراف کرده‌اند که موانع و مشکلات زیادی برای تأمین تسهیلات، اعتبار و پول برای راه‌اندازی ساخت مسکن وجود دارند. در یک زدوبند بین دولت و باندهای حکومتی در بخش ساخت مسکن، همین‌ها وام‌های کلان گرفته و قرارداد ساخت مسکن را بسته و مشغول ساخت‌وساز می‌شوند. تمام کنسرن‌ها و نهادهای مالی نامبرده در بالا از بنیاد شهید گرفته تا مستضعفان و... اینجا سر سفره بخور بچاپ نشسته‌اند.

یک مشکل در بخش تأمین مسکن ماجرای وام مسکن است. از آنجایی که دولت خود شریک ماجراست به بانک‌ها دستور می‌دهد که وام مسکن به مردم بدهند و مردم برای خرید مسکن ثبت‌نام کرده و در نوبت باشند تا خانه دریافت نمایند. صدها هزار نفر به امید خانه‌دار شدن وام مسکن با بازپرداخت سودهای کلان دریافت کرده و اقدام به خرید خانه کرده‌اند. اینجا مافیای مسکن قیمت‌ها را بالا برده که هزاران نفر نه تنها قادر به خرید خانه وعده‌داده‌شده نیستند، بلکه قادر به بازپرداخت اقساط وام مسکن هم نشده و بدین ترتیب تبدیل به بدهکار شده و بانک‌ها هم برای بازپس گرفتن وام‌های داده شده، به مردم فشار آورده و خانه‌هایشان را مصاد می‌کنند. به اعتراف نهادهای حکومتی ابعاد بدهکاران وام‌های مسکن بالای یک میلیون نفر است که هر ساله بر تعدادشان افزوده می‌شود.

بخش عظیم این یک میلیون نفر متقاضیان مسکن مهر و طرح مسکن ملی هستند. اکثر این خانه‌ها در مناطق حاشیه شهرها ساخته شده که امکانات استانداردهای لازم زیستی، نظیر دسترسی به مدرسه و مراکز خرید، مدرسه و مهدکودک و از همه مهم‌تر محل کار مردم نداشته و خود این هزینه‌های مضاعف دیگری بر مردم تحمیل می‌نماید. در کنار این وضعیت اسفناک حکومت رسماً سیاست کوچ‌دادن مردم ساکن در شهرها به حاشیه شهرها را در دستور دارد. سیاستی که از مردم می‌خواهد برای خرید مسکن مناسب از مراکز شهرها به شهرک‌های ساخته شده توسط حکومت و باندهایش برون‌د تا صاحب‌خانه بشوند! وزارت کشور

انقلاب برای ارزش‌هایی شکل گرفته که هیچ نزدیکی و مشابهتی با سیستم و دکترین فکری و ارزشی نیروهای راست ندارد. این نیروها بر قدوسیت آب و خاک، مرزها، تمامیت ارضی، کورش همافمنشی، افتخار نیاکان و گذشته سلطنتی و غیره تاکید میکنند. سیستم فکری و ارزشی‌شان این است. و این سیستم تماماً در نقطه مقابل خواستها و آرمانهای بر حق و انقلابی مردم قرار دارد.

از سوی دیگر دکترین راست ماهیتاً علیه انقلاب است. انقلاب را هر چه مرج و مشونت میداند، معتقد است باید از طرق دیگری، از بالای سر مردم با تمهیداتی با اتکا به دول غربی و غیره تخریبی در ایران بومود آورد. از این نظر هم اپوزیسیون راست کاملاً در برابر مردمی قرار گرفته

که بلند شده اند برای اینکه بقدرت انقلاب خودشان اوضاع را عوض کنند.

(از انقلاب زن زندگی آزادی و مساله اتماد مردم - ممید تقوایی)

جمهوری اسلامی نه می خواهد و نه می تواند



ميلاد رابعي

علیرضا پناهیان از آخوندهای نزدیک به خامنه‌ای در سخنان اخیر خود گفته است: "اگر دموکراسی با مدیریت ولی فقیه نباشد، نتیجه‌ای جز وحشی‌گری نخواهد داشت." وی همچنین در ادامه اشاره کرده است که: "تمدنی که بر هوای نفس مبتنی باشد، به وحشی‌گری منجر خواهد شد."

بیایم این سخنان مضحک را کمی بیش از حد معمول جدی بگیریم، تا جایی که بتوانیم به نقد ریشه‌های این سخنان بپردازیم:

جمالات ایشان که امروز مرغ پخته را هم به خنده می‌اندازد زمانی مبنای عقیدتی جناح مخالف ایشان و خط اصلاحات بود. خاتمی و تئوریسین‌های دوم خردادی هم روزگاری البته با ادبیاتی متفاوت، همین حرف‌ها را می‌زدند. آنچه باعث شده حرف‌هایی که زمانی با پز روشن‌فکرانه بیان می‌شد امروز به جوک تبدیل شود تغییرات عظیمی است که در ذهنیت سیاسی جامعه رخ داده است.

جمله ایشان مبنی بر این که: "اگر دموکراسی با مدیریت ولی فقیه نباشد، نتیجه‌ای جز وحشی‌گری نخواهد داشت." تکرار عامیانه همان تز آشنای مردم‌سالاری دینی (دموکراسی اسلامی) است. جمع اضدادی که وقتی به زبان صریح بیان شود تبدیل به همین جمله جناب پناهیان می‌شود. این تز رسواتر و بی‌آبروتر از آن است که بتوان به نقد آن پرداخت. اما خیلی کوتاه باید گفت که در سطح آمپریک (تجربی) حاصل و نتیجه مردم‌سالاری یا دموکراسی دینی چیزی جز همین جمهوری اسلامی که شاهد آن هستیم، نیست. دموکراسی و صندوق رأی در آن وجود دارد، البته از نوع اسلامی آن و با شرایط خاصی که همه با آن آشناییم و در اسلامی بودن آن هم که تردیدی

نیست. در سطح تئوریک و نظری هم روشن است که دموکراسی با مذهب و مشخصاً اسلام قابل جمع نیست. حکومت مذهبی و شخص ولی فقیه مشروعیت خود را از خدا می‌گیرند و این اصلی غیرقابل تغییر است. به همین دلیل برای حفظ این مشروعیت نیازی به مراجعه به نظر و آرای امت ندارند. بنا بر همین اصل، تکلیف رأی مردم و تأثیر آن در اداره امور در چنین سیستم حکومتی از پیش روشن است.

مسئله «هوای نفس» نیز از دیگر اعتقادات اصلی و هسته‌ای مذهب و اسلام است. «هوای نفس» «و» «نفس اماره» «کلماتی کلیدی و اسم رمزی برای راضی کردن مردم به وضع موجود و عدم گلایه و شکایت از مشکلات معیشتی و مادی است. در تفکر اسلامی توجه به زندگی مادی و تلاش برای رسیدن به آسایش و رفاه اساساً امری مذموم و خطا است. از آن تحت عناوین توجه به مادیات، دل‌بستن به زخارف دنیوی، غرق‌شدن در تجملات و در نتیجه غافل ماندن از ثواب و آخرت نام برده می‌شود. در این تفکر، دوگانه دنیا و آخرت مانند دو کفه ترازو در مقابل هم قرار می‌گیرند به طوری که توجه به یکی انسان را از دیگری غافل می‌کند.

دنیا و مافی‌ها سپنجی و گذرا تصویر می‌شود و عاقبتی موهوم، اصیل و ماندگار فرض می‌شود.

چنین سیستم فکری علاوه بر منفعل ساختن معتقدین خود، فقر و تنگدستی را تحت نام ساده‌زیستی توجیه می‌کند. وقتی این تفکرات قدرت سیاسی را قبضه کنند با اشاعه این گونه تبلیغات که همگی با آنها آشنا هستیم، اساساً ایجاد رفاه و آسایش برای شهروندان را امر خود نمی‌دانند. البته پر واضح است که این مواضع را برای دیگران می‌کنند و در زندگی شخصی خود از رفاه و آسایش کامل برخوردارند، رفاه و تمکنی که حاصل دزدی و اختلاس‌های میلیاردری است. ضمناً در این جا بحث از خواست و انگیزه حکومت‌های مذهبی برای ایجاد رفاه بر اساس سیستم ارزشی آنها است. واضح است که شرایط اقتصادی فعلی در ایران دلایل روشن مادی و اقتصادی دارد که بررسی جداگانه‌ای را می‌طلبد.

دو جمله ایشان و خاستگاه فکری آنها نشان می‌دهد دو مقوله دموکراسی، یعنی اعتنای حداقلی به آرا و نظرات مردم و تأمین رفاه و شرایط نرمال مادی نه تنها در کائنات فکری حکومت اسلامی جایی ندارند؛ بلکه هر دو مایه توحش و وحشی‌گری هستند. این دو ارزش در نظام فکری و اندیشه اسلامی تبدیل به ضد ارزش می‌شوند. این جا است که باید گفت حکومت اسلامی نه می‌خواهد و نه می‌تواند.

اما ترجیح‌بند هر دو جمله پناهیان وحشی‌گری است. اسلام‌یست‌ها همیشه فرهنگ و تمدن غرب را وحشیانه و انسان‌گرایی را وحشی‌تصور کرده‌اند. از نگاه پوسیده این جماعت، آزادی بیان، رفاه و آسایش مادی، برابری زن و مرد و سایر دست‌آوردهای تمدن غرب، نشانه‌های توحش هستند چرا که خالی از معنویت و توجه به آخرت هستند. این ادعا را کسانی مطرح می‌کنند که با اعمالشان معنای جدیدی به کلمه توحش بخشیده‌اند. چنان در جنایت و آدم‌کشی رکورد زده‌اند که روی تمام آدمکشان تاریخ را سفید کرده‌اند و روزی نیست که در گوشه‌ای از جهان فاجعه نیافرینند.

مطالب بالا اکنون به ذهنیت جمعی جامعه بدل شده است؛ مردم بهتر از هر کسی. این مسائل را با پوست و گوشت خود احساس کرده‌اند، تصمیمشان را برای سرنگونی این نظام سرتاپا تضاد و تزویر گرفته‌اند و انقلابشان را آغاز کرده‌اند. در این مسیر صدها کشته و مجروح داده‌اند.

جامعه ایران در حال حاضر بسیار جلوتر از مرحله نقد سیستم فکری جمهوری اسلامی است. این جامعه‌ای در حال نبرد با همین سیستم فکری و نگهبانان آن است. فشار مردم چنان است که حضرات را وادار به چنین هذیان‌گویی‌هایی می‌کند. اما در مسیر پر فراز و نشیب این نبرد گاهی لازم است به واکاوی همین هذیان‌های از سر استیصال پرداخت تا بتوان بیشتر از پیش به حقانیت مبارزه برای سرنگونی این هیولا پی برد. هیولایی که نه فقط در اعمالش بلکه در کنه افکارش نیز چیزی جز ضدیت با انسان و انسانیت نمی‌توان یافت.*



موقعیت حکومت اسلامی بعد از پایان جنگ حماس و اسرائیل

مهران محبی

هیچ خسارت جدی ای نشده‌اند، اقدامات دیگری از طرف اردوی تروریسم اسلامی انجام نگرفته است. چه بسا تحرکات نظامی تا این حد از سوی فرمان‌بران حکومت اسلامی مطابق یک توافق انجام گرفته میان آمریکا و جمهوری اسلامی باشد.

آمریکا می‌داند که آمریکا ستیزی بخشی از هویت جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدنش است و ۴۴ سال است که آن را با خود حمل می‌کند و می‌داند که با حفظ این هویت که امروز دیگر به خاطر پوشالی بودن قدرت ادعایی‌اش بیشتر از رستی نمایشی، و نمادین نیست ممکن است بتواند تروریست‌های تحت حمایتش را کنترل کند. برای آمریکا کفایت می‌کند که جمهوری اسلامی و همدستانش در همین وضعیت نسبت به جنگ غزه قرار بگیرند و از طرف دیگر هم جمهوری اسلامی به خاطر موقعیت شکننده و بحرانی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش به ناچار شرایط آمریکا را بپذیرفته است.

جمهوری اسلامی برای بیرون کشیدن خود از باتلاقی که دارد به قعر آن می‌رود دست به هر کاری می‌زند. با سران حماس قرار و مدار می‌گذارد تا نسبت به نقش جمهوری اسلامی در حمله حماس سکوت کنند و با حزب الله و دیگر تروریست‌ها دیدار می‌کند تا از کنترلش خارج نشوند و پایش را به جنگ نکشند. سران شیداء و جنایت‌کار حکومت از تربیون‌های داخلی و بین‌المللی دائماً از دخالت نداشتن جمهوری اسلامی در جنگ حماس و اسرائیل و حمله به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه حرف می‌زنند. نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل رسماً به دبیرکل سازمان ملل نامه می‌نویسد که حکومت اسلامی هیچ نقشی در حمله به نیروهای نظامی آمریکا نداشته است.

مواضع مستأصلانه و مهم‌تر از آن، رو به عقب‌نشینی جمهوری اسلامی در برابر تهدیدات دولت اسرائیل و دولت آمریکا درحالی که یکی از گروه‌های تحت حمایتش زیر سهمگین‌ترین حملات ارتش اسرائیل قرار گرفته و در حال نابودی است، موقعیتش را به‌عنوان پایگاه و ستاد هماهنگی‌کننده جنبش اسلام سیاسی شدیداً تضعیف خواهد کرد و گروه‌های اسلامی موجود، دیگر به‌مانند گذشته از او حرف‌شنوی نخواهند داشت.

جمهوری اسلامی نه تنها در آینده بعد از پایان یافتن جنگ و کشتار در غزه، بلکه همین حالا هم دیگر آن جمهوری اسلامی با جایگاه و موقعیت قبل از جنگ غزه در جنبش موسوم به محور مقاومت نیست.

مردم ضدجنگ و تروریسم اسلامی در بعضی از کشورها مانند آلمان دولت را مجبور به بستن مساجد و مراکز اسلامی و پرورش تروریسم کرده‌اند و این فشارهای بین‌المللی در حال افزایش و گسترش است.

ادامه این وضعیت، امکان برونزفت را برای حکومت اسلامی از بحران‌های داخلی و بین‌المللی تقریباً غیرممکن خواهد کرد. رژیم که تنها راه نجات خود از بحران داخلی و سرنگونی به دست مردم را بحران آفرینی منطقه‌ای می‌دانست، با افشاشدن ناتوانی‌اش در رودرو شدن با دولت اسرائیل و رهاکردن حماس در میدان جنگ، این مجال خیالی را نیز از دست داد.*

بعد از یک ماه از حمله تروریست‌های حماس به اسرائیل و شروع جنگ سراپا جنایت‌کارانه در غزه، آتش جنگ نیمی از غزه را در خود کشیده است. ارتش جنایت‌کار اسرائیل با بی‌رحمی و ددمنشی. تمام شهروندان غزه را زیر باران بمب و راکت و گوله گرفته است و هر لحظه بر قربانیان بی‌دفاع افزوده می‌شود. تا حالا حدود ۱۱ هزار نفر در غزه کشته شده‌اند که قریب ۴ هزار نفر از آنها را کودکان تشکیل می‌دهند. هر روز صحنه‌هایی از بمباران‌های غزه توسط ارتش اسرائیل به وسیله خبرنگارهای دست راستی و حامی دولت اسرائیل منتشر می‌شود و مفسران و کارشناسان نظامی و سیاسی صحنه‌های دلخراش از جنایات ارتش اسرائیل را به‌عنوان اسناد موفقیت و پیشروی به‌سوی به‌اصطلاح ناکارآمد کردن توان نظامی حماس توجیه و تفسیر می‌کنند.

آنچه در غزه در جریان است، یک نسل‌کشی. تمام عیار است که به بهانه اجتناب‌ناپذیر بودن آن برای ازین بردن تهدیدات امنیتی حماس برای اسرائیل و منطقه، توجیه می‌شود. در چشم‌انداز این تراژدی انسانی مرگ و نیستی ده‌هزار انسان بی‌دفاع دیگر و آوارگی و ابهام هولناک آینده میلیون‌ها نفر دیگر نمایان است.

موازنه موقعیت طرفین درگیر در این جنگ ارتجاعی تا حالا به نفع ارتش اسرائیل رقم خورده و تفوق کامل بر جنگ و سرنوشت آن را در دست گرفته است. بعد از دو هفته از ورود ارتش اسرائیل به نوار غزه و محاصره آن، بخش شمالی غزه به اشغال درآمده است. این بخش از غزه به یک مخروبه که در زیر آن هنوز انسان‌های زیادی مدفون هستند، تبدیل شده است. دولت دست راستی اسرائیل بر ادامه جنگ و کشتار در غزه تا تصرف کامل آن و حتی در کنترل خود قراردادن غزه برای مدتی اصرار و پافشاری می‌کند و سران دولت‌های غربی و آمریکا هم از ادامه جنگ توسط اسرائیل حمایت می‌کنند، اما اعلام کرده‌اند که دولت اسرائیل اجازه اشغال و به دست گرفتن کنترل سیاسی و امنیتی غزه را ندارد.

دولت‌های غربی و آمریکا در حال چانه‌زنی بر سر تعیین شخص یا سازمانی برای به دست گرفتن کنترل نوار غزه بعد از پایان نسل‌کشی. توسط ارتش اسرائیل با حمایت ائتلاف نیروهای به‌اصطلاح حافظ صلح از چند کشور عربی و احتمالاً غربی هستند. در حال حاضر بر سر محمود عباس رئیس سازمان خودگردان فلسطین توافق دارند و موضوع را به او پیشنهاد کرده‌اند.

طرف دیگر مسابقه آدم‌کشی. یعنی حماس و محور مقاومت به سرکردگی جمهوری اسلامی مغلوب و شکست خورده‌اند. حماس حتی توان دفاع از خود را هم از دست داده و حذف شدن به‌عنوان یک نیروی تروریستی نظامی حداقل برای مدت‌ها برایش قطعی است. جمهوری اسلامی توان هیچ‌گونه دفاعی از یکی از متحدان و بازوهای تروریستی خود را ندارد و به حمایت‌های بی‌قول سران شیداء حکومت "نمادین" از غزه و حماس هم‌زمان تلاش برای جلوگیری از ورود بقیه تروریست‌های تحت حمایتش به جنگ غزه یا حمله به مراکز نظامی آمریکا محدود شده است. جمهوری اسلامی حتی نتوانست یک تجمع و تظاهرات در حمایت از حماس در داخل کشور در حد کاری که اردوغان در ترکیه انجام داد، برگزار کند.

در این مدت بیش از یک‌ماهه جنگ غزه، غیر از موشک‌پرانی‌هایی پراکنده و معمول و قابل چشم‌پوشی حزب‌الله و حوثی‌ها و حملات محدود و کنترل شده‌ای در عراق و سوریه به مراکز نظامی آمریکا که باعث

اطلاعه‌های هفته اخیر

۱۳ آبان: تجمع اعتراضی معلمان خرید خدمت اصفهان، و پرستاران ارومیه

اخبار نفت: شماره ۱۲

ادامه اعتراضات کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت امروز شنبه ۱۳ آبان کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به تعرضات معیشتی و محقق‌نشدن مطالبات خود همچون روزها و هفته‌های گذشته دست به تجمع زدند. حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، بازگرداندن کسورات مازاد مالیات، پرداخت بک-پی ماده ده و اعتراض به دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت خواست‌های فوری این کارگران است. کارگران شرکت نفت و گاز آغاچاری خطاب به مسئولین نفت اولتیماتوم داده‌اند که در خصوص دست‌درازی به صندوق بازنشستگی و دزدی‌ها و اختلاس‌ها سکوت نخواهند کرد. اعتراضات در نفت این مرکز کلیدی کارگری گسترده است. اعتراضات در نفت بر تغییر توازن قوا به نفع اعتراضات سراسری تأثیر می‌گذارد. از خواست‌ها و مبارزات کارگران نفت باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ آبان ۱۴۰۲، ۴ نوامبر ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در شهرهای مختلف، و پرستاران ارومیه

روز ۱۴ آبان بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد به روال یکشنبه‌های هر هفته در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. این تجمعات بنا به گزارشات تاکنونی در شهرهای شوش، اهواز، کرمانشاه و دزفول مقابل ساختمان تأمین اجتماعی صورت گرفته و بازنشستگان با سخنرانی و شعاردادن بر خواست‌های خود تأکید کردند. هم‌زمان بازنشستگان فولاد نیز در شهرهای اصفهان، اراک و البرز غربی تجمع داشتند. بازنشستگان فولاد در تجمع هفته گذشته قرار تجمع در تهران در ۲۱ آبان را گذاشتند. همسان‌سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیونی و درمان رایگان دو خواست فوری و مهم همه بازنشستگان است. بازنشستگان فولاد بعلاوه خواستار پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ خود هستند.

در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی با سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" اعتراض خود را به کل سیستم دزدی و توحش حاکم اعلام داشتند. در شوش نیز بازنشستگان از شهرهای کرخه، شوش، و هفت‌تپه جمع شده و علیه گرانی‌ها و وضع بد معیشتی خود و خلف وعده‌های حکومت شعار می‌دادند. در کرمانشاه بزهرایی با مضمون "لشکری کشوری تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" قابل توجه بود.

در اصفهان بازنشستگان فولاد با پهن کردن سفره‌ای خالی و با شعار

امروز سیزدهم آبان‌ماه معلمان خرید خدمت اصفهان با خواست استخدام در آموزش و پرورش در محل سخنرانی وزیر آموزش و پرورش تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی معاون وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به وضعیت معلمان خرید خدمت گفت: قانون اجازه نمی‌دهد در مسیری غیر از آزمون، معلمی را جذب کنیم؛ اما این مسئله را در مجلس با اعتقاد عرض کردم که ما آمادگی داریم تا معلمانی را که گزینش شده و عملکرد آنها به تأیید رسیده است، جذب کنیم. این پاسخ سر بالا به خشم معلمان خرید خدمت بیشتر دامنه زده و به بحث در مدیای اجتماعی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی معلمان خرید خدمت را استخدام نمی‌کند و از کار آنها با حداقل حقوق بهره می‌گیرد. درحالی که بنا بر خبرها هم اکنون صد هزار کلاس درس بدون معلم است و به گفته محمد وحیدی عضو کمیسیون آموزش مجلس در شروع سال تحصیلی ۶۸ هزار معلم از سیستم آموزشی خارج شده‌اند. او همچنین با توضیح اینکه فقط معلمینی که از فیلتر آزمون استخدام بگذرند بکار گرفته می‌شوند از منع ورود ۲۳ هزار معلم خرید خدمات آموزشی در سال جاری خبر داده است. بعلاوه به گفته محمد وحیدی همچنین در سال جاری ۹۰ هزار معلم بازنشست شده‌اند. این خبرها حاکی از وخیم‌تر شدن وضع آموزش و پرورش در سال جاری است و موجب شدت گرفتن فضای اعتراضی در میان معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان شده است. تحصیل رایگان، آموزش با کیفیت و غیرایدئولوژیک و استخدام معلم به حد کافی و در وهله اول استخدام معلمان خرید خدمتی و حق‌التدریس از جمله خواست‌های فوری معلمان است که بارها در اعتراضاتشان بر آنها تأکید کرده‌اند. از این خواست‌ها و مطالبات باید سراسری حمایت و پشتیبانی کرد.

امروز همچنین پرستاران و کارکنان درمانی بیمارستان امام در ارومیه در اعتراض به پرداخت‌نشدن بستانکاری‌ها و سایر مطالبات و همچنین تعرفه‌گذاری‌ها در حقوق دریافتی و عدم رسیدگی به مشکلات معیشتی‌شان تجمع و اعتراض کردند. تا کنون بارها در مورد این مسائل پرستاران در شهرهای مختلف تجمع و اعتراض داشته‌اند. تعرضات معیشتی به پرستاران مستقیماً به پایین آمدن بیشتر استانداردها در سطح جامعه تأثیر می‌گذارد. از خواست‌ها و مبارزات پرستاران و کارکنان بیمارستان‌ها باید حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ آبان ۱۴۰۲، ۴ نوامبر ۲۰۲۳



اخبار نفت: شماره ۱۳

اعتراضات در نفت گسترش می‌یابد

تجمعات هر روزه کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری و تجمعات در شرکت‌های مختلف نفت

امروز دوشنبه ۱۵ آبان و همچنین روز گذشته، کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومت و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان دست به تجمع زدند. اعتراضات کارگران این شرکت هر روزه شده است. روز گذشته همچنین کارگران رسمی نفت شاغل در شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب واقع در اهواز، فلات قاره در جزیره خارک، و فلات قاره در منطقه سیری تجمع اعتراضی بر پا کردند. کارگران رسمی مناطق مختلف نفتی روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه‌شنبه را روزهای اعتراضی ثابت خود تا رسیدن به مطالباتشان اعلام کرده‌اند.

از سوی دیگر امروز ۱۵۰ کارگر شرکت ارمه نو پتروشیمی چابهار در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۵ ماه دستمزد خود با دست کشیدن از کار و جلوگیری از ورود مهندسين به شرکت به دلیل عدم پرداخت معوقات پنج‌ماهه خود دست به اعتصاب زدند. اعتراضات گسترده در نفت بسترساز سراسری شدن اعتراضات در این مرکز کلیدی کارگری است. این اعتراضات تأثیر مستقیم و مثبتی بر توازن قوا و تقویت مبارزات کارگری در سطح جامعه دارد. از مبارزات کارگران نفت باید وسیعاً حمایت کرد.

هفت تشکل از کارگران، بازنشستگان و نهاد دفاع از حقوق زن طی بیانیه‌ای حمایت و پشتیبانی خود را از اعتراضات کارگران نفت اعلام داشته‌اند. در بخشی از بیانیه حمایتی آنها چنین آمده است: "سازمان یافتن کارگران رسمی نفت نه تنها مبارزات در بخش نفت را قدرتمند خواهد کرد، بلکه در قدرت‌گیری اعتراض و متحد شدن همه کارگران در همه بخش‌های تولیدی، پروژه‌ای، خدماتی و غیره در مقابل کارفرمایان و سیستم حکومتی حامی آنان هم تأثیر فراوان خواهد داشت."

بخش تولیدی در صنعت نفت شاه‌رگ کسب درآمد دولت و حکومت است و علاوه بر این کارفرمای این صنعت خود دولت است که مستقیماً در برابر کارگران قرار دارد. دولت برای تأمین هزینه‌های گزاف دموکراسی خود و برای تأمین هزینه‌های حکومت‌داری به‌طور کلی، نیاز حیاتی به فعال بودن بخش تولیدی نفت دارد. از این رو کارگران رسمی و ارکان ثالث نفت جایگاه ویژه‌ای در کل جنبش کارگری دارند. گسترش اعتراضات کارگران رسمی نفت، فشار اساسی و تعیین‌کننده‌ای بر دولت وارد خواهد آورد و آن را مجبور به پاسخگویی خواهد کرد و پی‌آمد هر پیروزی و موفقیت کارگران نفت زمینه‌ساز پیروزی‌ها و موفقیت‌های کارگران در همه بخش‌های دیگر خواهد شد. وظیفه همه ما کارگران، معلمان، بازنشستگان، بیکاران و همه انسان‌های خواهان رفاه و آسایش است که از مبارزات کارگران رسمی نفت حمایت کنیم. امضاکنندگان این بیانیه عبارت‌اند از: ۱- اتحاد بازنشستگان، ۲- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، ۳- سندیکای نقاشان البرز، ۴- شورای بازنشستگان ایران، ۵- کمیته بیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری، ندای زنان ایران، ۷- صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد

با کارزاری سراسری از مبارزات کارگران نفت حمایت کنیم. صدای این کارگران در سطح جهان باشیم.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آبان ۱۴۰۲، ۶ نوامبر ۲۰۲۳

"سفره ما خالی، وعده وعید کافی" صدای اعتراض خود را علیه وضع معیشتی‌شان بلند کردند.

بازنشستگان در اعتراضاتشان کل بساط فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌ها و دزدی‌ها را به چالش می‌کشند. بازنشستگان با جلو آوردن خواست‌های سراسری مردمی از جمله درمان رایگان صدای اعتراض همه مردم و نبض پر تپش فضای انقلابی در جامعه هستند. از خواست‌ها و مبارزات بازنشستگان باید حمایت کرد.

در این روز همچنین پرستاران، کارکنان درمانی و دانشجویان پزشکی بیمارستان امام ارومیه برای دومین روز در اعتراض به پرداخت نشدن بستن‌کاری‌ها و سایر مطالبات و همچنین نوع تعرفه‌گذاری‌ها در حقوق دریافتی و عدم رسیدگی به مشکلات معیشتی‌شان تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ آبان ۱۴۰۲، ۵ نوامبر ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان مخابرات در ۲۲ شهر، و

بازنشستگان نفت در اهواز

شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد

امروز پانزده آبان بازنشستگان مخابرات در یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی خود علیه فقر و وضع بد معیشتی‌شان دست به تجمع زدند. بازنشستگان مخابرات همچنین به عدم اجرای کامل آیین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و مشکلات بیمه ایشان اعتراض دارند و خواهان درمان رایگان هستند.

این تجمعات در شهرهای تهران، رشت، مریوان، ایلام، اردبیل، کرمانشاه، سنندج، اصفهان، اهواز، شیراز، زنجان، تبریز، زاهدان، همدان، قزوین، اراک، اندیمشک، ساری، خرم‌آباد، ارومیه، بندرعباس و شهرکرد برگزار شد.

در تهران، اهواز و کرمانشاه بازنشستگان مقابل دفتر مخابرات تجمع کردند و بعد با شعار دادن راهپیمایی کردند. در تجمعات این روز بازنشستگان مخابرات شعار می‌دادند: "مدیر بی‌لیاقت استعفا، استعفا"، "مخابراتی می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار"، و "سهام‌داران عمده حق ماها را خورده"،

در این روز همچنین بازنشستگان نفت نیز در اهواز در اعتراض به دزدی‌ها و دست‌درازی به دارایی صندوق بازنشستگی خود مقابل صندوق امانیه تجمع کردند.

خبر مهم دیگر در این روز تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان کشوری در تهران در مقابل سازمان برنامه بودجه برای اجرای شدن همسان‌سازی حقوقها و پاداش پایان خدمت بازنشستگان سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بود که در آن جمعیت قابل توجهی شرکت داشتند.

هم اکنون بخش‌های مختلف بازنشستگان که جمعیتی ۲۵ میلیونی را در بر می‌گیرد در اعتراض‌اند و روزهای مختلف هفته را به صحنه پر شور تجمعات خود تبدیل کرده‌اند. بازنشستگان صدای اعتراض جامعه علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌ها و دزدی‌ها و مقابله با تعرضات معیشتی حکومت هستند. بازنشستگان با شعار "شاغل و بازنشسته، اتحاد اتحاد" پرچم اتحاد بخش‌های مختلف مردم علیه فقر و بردگی را به دست گرفته‌اند. از اعتراضات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آبان ۱۴۰۲، ۶ نوامبر ۲۰۲۳

آزادی، برابری

اخبار نفت: شماره ۱۳

تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر

و تجمع بیش از هزار نفر از آنها در تهران

اعتراضات در نفت گسترش می یابد

تجمعات هر روزه کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری و تجمعات در شرکت های مختلف نفت

روز سه شنبه ۱۶ آبان بازنشستگان کشوری شامل معلمان و بخش های دیگر کارکنان بازنشسته، همچون هفته های گذشته برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای کرمانشاه، و سنندج، تجمع کردند. اعتراض این بازنشستگان به فقر و بی تاملی، و به بساط چپاول و سرکوب حکومت است و همسان سازی حقوق ها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان و تحصیل رایگان برای همه، پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها و نیز پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله آزادی فوری معلمان زندانی مطالبات فوری آنهاست که بارها اعلام کرده و بازتاب آن را در شعارهای اعتراضی آنها شاهد هستیم. "تجمع، اعتراض حق مسلم ماست" یک شعار مهم اعتراضی این بازنشستگان در تجمع مشترک آنها با بازنشستگان تأمین اجتماعی در هفته گذشته در اهواز بود.

روز گذشته نیز تجمع بزرگی از سوی بازنشستگان کشوری در مقابل سازمان برنامه بودجه برپا شد که قبلاً خبر آن را اعلام کردیم. اخبار تکمیلی از این تجمع حاکی است که تعداد شرکت کنندگان افزون بر هزار نفر بوده است. طبق گزارشات در این روز بعد از جمع شدن عده ای از بازنشستگان مقابل سازمان برنامه بودجه نیروهای امنیتی برای جلوگیری از پیوستن بیشتر افراد به تجمع از خیابان اصلی، مانع پیوستن افراد به صف اعتراض در داخل پارک مقابل ساختمان برنامه بودجه می شدند. با هجوم جمعیت معترضین، بلافاصله داخل پارک و خیابان های اطراف آن مملو از نیروهای سرکوب شد. به طوری که در حوالی ساعت ده تا ده و نیم دوون پلیس پر از بازنشستگان کنار خیابان اصلی پارک برای ممانعت از ورود آنها بود.

در این تجمع اعتراضی چندین نفر از بازنشستگان زن و مرد سخنرانی کردند و از خواست های اعتراضی بازنشستگان سخن گفتند. با ازدیاد جمعیت نیروهای سرکوب وارد جمعیت شده و سعی کردند تجمع را متفرق کنند و در آخر جمعیت که توانسته بود صدای اعتراض خود را علی رغم حضور وسیع سرکوبگران بلند کند، محل را ترک کردند. در این روز بازنشستگان کشوری در اراک نیز تجمع داشتند.

طبق اخبار منتشر شده از سوی کانال شورای هماهنگی صنفی فرهنگیان کشور سیامک چهارزی، انصاری و موسویان از معلمان خوزستان از جمله بازداشت شدگان این روز هستند که سپس با اخذ تعهد آزاد شدند.

بازنشستگان نیروی رزمنده انقلاب هستند و سه روز یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه به روزهای تجمعات پر شور و در جاهای مارش های اعتراضی آنها تبدیل شده است. "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" سه شعار متحدکننده بازنشستگان است که مضمون انقلاب زن زندگی آزادی را بیان می کند. از اعتراضات بازنشستگان وسیعاً حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آبان ۱۴۰۲، ۷ نوامبر ۲۰۲۳



امروز دوشنبه ۱۵ آبان و همچنین روز گذشته، کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومت و عدم پاسخگویی به خواست هایشان دست به تجمع زدند. اعتراضات کارگران این شرکت هر روزه شده است. روز گذشته همچنین کارگران رسمی نفت شاغل در شرکت مناطق نفت خیز جنوب واقع در اهواز، فلات قاره در جزیره خارک، و فلات قاره در منطقه سیری تجمع اعتراضی بر پا کردند. کارگران رسمی مناطق مختلف نفتی روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه را روزهای اعتراضی ثابت خود تا رسیدن به مطالباتشان اعلام کرده اند.

از سوی دیگر امروز ۱۵۰ کارگر شرکت ارمه نو پتروشیمی چابهار در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۵ ماه دستمزد خود با دست کشیدن از کار و جلوگیری از ورود مهندسين به شرکت به دلیل عدم پرداخت معوقات پنج ماهه خود دست به اعتصاب زدند. اعتراضات گسترده در نفت بستر ساز سراسری شدن اعتراضات در این مرکز کلیدی کارگری است. این اعتراضات تأثیر مستقیم و مثبتی بر توازن قوا و تقویت مبارزات کارگری در سطح جامعه دارد. از مبارزات کارگران نفت باید وسیعاً حمایت کرد.

هفت تشکل از کارگران، بازنشستگان و نهاد دفاع از حقوق زن طی بیانیه ای حمایت و پشتیبانی خود را از اعتراضات کارگران نفت اعلام داشته اند. در بخشی از بیانیه حمایتی آنها چنین آمده است: "سازمان یافتن کارگران رسمی نفت نه تنها مبارزات در بخش نفت را قدرتمند خواهد کرد، بلکه در قدرت گیری اعتراض و متحد شدن همه کارگران در همه بخش های تولیدی، پروژه ای، خدماتی و غیره در مقابل کارفرمایان و سیستم حکومتی حامی آنان هم تأثیر فراوان خواهد داشت.

بخش تولیدی در صنعت نفت شاهرگ کسب درآمد دولت و حکومت است و علاوه بر این کارفرمای این صنعت خود دولت است که مستقیماً در برابر کارگران قرار دارد. دولت برای تأمین هزینه های گزاف دموستگاه خود و برای تأمین هزینه های حکومت داری به طور کلی، نیاز حیاتی به فعال بودن بخش تولیدی نفت دارد. از این رو کارگران رسمی و ارکان ثالث نفت جایگاه ویژه ای در کل جنبش کارگری دارند. گسترش اعتراضات کارگران رسمی نفت، فشار اساسی و تعیین کننده ای بر دولت وارد خواهد آورد و آن را مجبور به پاسخگویی خواهد کرد و پی آمد هر پیروزی و موفقیت کارگران نفت زمینه ساز پیروزی ها و موفقیت های کارگران در همه بخش های دیگر خواهد شد. وظیفه همه ما کارگران، معلمان، بازنشستگان، بیکاران و همه انسان های خواهان رفاه و آسایش است که از مبارزات کارگران رسمی نفت حمایت کنیم". امضا کنندگان این بیانیه عبارتند از: ۱- اتحاد بازنشستگان، ۲- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، ۳- سندیکای نقاشان البرز، ۴- شورای بازنشستگان ایران، ۵- کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، ندای زنان ایران، ۷- صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد

با کارزاری سراسری از مبارزات کارگران نفت حمایت کنیم. صدای این کارگران در سطح جهان باشیم.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آبان ۱۴۰۲، ۶ نوامبر ۲۰۲۳

اخبار نفت: شماره ۱۴

ادامه اعتراضات کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغازی و بازنشستگان نفت

اعتراضات و تجمعات اعتراضی کارگران رسمی و پیمانی نفت ادامه دارد. امروز ۱۶ آبان کارگران رسمی شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومت و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان در ادامه اعتراضات هر روزه خود دست به تجمع زدند. کارگران اعلام کرده‌اند که تا پاسخ نگیرند اعتراضاتشان ادامه خواهد داشت. در همین رابطه در این روز کارگران رسمی وزارت نفت در منطقه ویژه اقتصادی بندر ماهشهر نیز تجمع داشتند.

در این روز همچنین بازنشستگان و بازنشستگان صنعت نفت اهواز صندوق غرب همچون روزهای پیش در اعتراض به غارت صندوق و اساسنامه مغایر با قانون صندوق تجمع داشتند. حذف تعیین سقف حقوق که موجب کاهش حقوقها در شرایط گرانی هر روزه می‌شود، بازگرداندن مالیات‌های سنگین اخذی شده، لغو محدودیت حق سنوات بازنشستگی و اجرای کامل ماده ده که بهبودی در حقوق‌ها می‌دهد و شمول آن به همه کارگران شاغل و بازنشسته از ۹ سال پیش یعنی از ابتدای تصویب این قانون، از جمله خواست‌های کارگران رسمی نفت است. این کارگران با شعار "به صندوق‌های بازنشستگی دست نزنید" عزم خود را برای مقابله با دزدی‌ها و اختلاس‌ها اعلام کرده‌اند.

اعتراضات در نفت گسترده و هر روزه شده و موضوعات اعتراض کارگران بخش‌های مختلف نفت را در بر می‌گیرد. از جمله یک موضوع مهم اعتراضات در نفت وجود انواع قراردادهای بردهوار کاری و چپاولگری‌های پیمانکاران است. خواست کارگران نفت اخراج پیمانکاران و رسمی شدن همه قراردادهاست. این مطالبات دیگر بخش‌های کارگری در جامعه را که با معضلات مشابهی درگیرند در موقعیت قوی‌تری قرار می‌دهد. گسترش این اعتراضات بستری برای گسترش بیشتر اعتراضات در نفت و در سطح جامعه است. اعتصاب سراسری کارگران نفت می‌تواند نتیجه این اعتراضات باشد که قطعاً حکومت اسلامی و پیمانکاران را ناچار به عقب‌نشینی خواهد کرد. وسیعاً به کارزار حمایت از کارگران نفت پیوندید. با بیانیه‌های همبستگی و برپایی آکسیون‌های حمایتی صدای اعتراض این کارگران در سطح جامعه و جهانی باشیم.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آبان ۱۴۰۲، ۷ نوامبر ۲۰۲۳

تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش

امروز چهارشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش در ادامه اعتراضات خود به وضعیت بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان مقابل دفتر نماینده مجلس اسلامی در این شهر تجمع کردند. این بازنشستگان از شهرهای شوش، کرخه و هفت‌تپه گردآمده و یکشنبه‌ها را به‌روز اعتراضات هفتگی ثابت خود تبدیل کرده‌اند. در تجمع اعتراضی این روز بازنشستگان در شوش شعار می‌دادند: "از خوزستان تا تهران، ننگ بر مدیران"، "تامینو غارت کردند ما را بیچاره کردند"، "ما به جز حق نمی‌خوایم، صدقه دولت نمی‌خوایم"، "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته"، "دولت ورشکسته دشمن بازنشسته"، "تأمین اجتماعی، چه اسم اشتباهی"، "مجلس سرسپرده گرانی را آورده"، و "نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت".

شوش یک کانون داغ اعتراضات بازنشستگان است که هر هفته تجمع دارند. هم اکنون بخش‌های مختلف بازنشستگان در روزهای مختلف هفته در شهرهای متعدد در اعتراض و تجمع هستند. بازنشستگان با اعتراضات خود همواره تنور اعتراضات مردمی را داغ نگه داشته و رهایی را فریاد می‌زنند. از مبارزات بازنشستگان باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آبان ۱۴۰۲، ۸ نوامبر ۲۰۲۳

اخبار نفت: شماره ۱۵

تجمعات کارگران رسمی نفت و گاز آغاچاری و کارکنان رسمی مناطق عملیاتی، و بازنشستگان نفت

بازنشستگان نفت: "شاغل و بازنشسته، اتحاد، اتحاد"

کارگران رسمی نفت به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. امروز ۱۷ آبان ماه کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به تعیین سقف حقوقها و کاهش سطح دستمزدها، مالیات‌های سنگین و محدودیت حق سنوات بازنشستگی و طرح ادغام صندوق‌های بازنشستگی حکومت و دزدی‌ها و اختلاس‌ها دست به تجمع زدند. در این تجمعات کارگران در دست‌نوشته‌هایی خواست‌های اعتراضی‌شان را به نمایش می‌گذارند. همانطور که قبلاً گزارش کرده‌ایم. کارگران این شرکت بر هر روزه بودن اعتراضات خود تا گرفتن پاسخ تأکید کرده‌اند.

امروز همچنین بازنشستگان نفت برای چندمین بار با خواست لغو طرح ادغام صندوق‌های بازنشستگی و عدم دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی نفت دست به تجمع زدند. این کارگران با شعار شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد، همچون دیگر بخش‌های بازنشستگان بر اتحاد طبقاتی کارگران در نفت و در سطح جامعه تأکید گذاشتند. شعارهای اعتراضی دیگر بازنشستگان نفت در تجمع امروزشان عبارت بودند از: "صندوق رو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "شاغل و بازنشسته پیوندتان مبارک"، "فریاد ما بلند است، اتحاد، اتحاد"، "ننگ ما ننگ ما صداوسیما ما".

گفتنی است که در روز گذشته در ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت علیه تعرضات معیشتی حکومت علاوه بر کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، کارگران اخیرالاستخدام شاغل در مناطق مختلف عملیاتی وزارت نفت نیز دست به تجمعات اعتراضی زدند. این تجمعات از جمله در مناطق عملیاتی اروندان، مناطق نفت‌خیز، زاگرس جنوبی، ملی حفاری، پالایشگاه دالان، نفت و گاز آغاچاری و نفت و گاز غرب (چشمه خوش) برگزار شد. کارگران جدیدالاستخدام رسمی در مناطق عملیاتی نفت اعلام کرده‌اند که تا وقتی به خواست‌هایشان پاسخ داده نشود هر سه‌شنبه تجمع خواهند داشت. بدین ترتیب یکشنبه، دوشنبه و سه‌شنبه‌ها به روزه‌های اعتراضی ثابتی در مراکز نفتی تبدیل شده است. بعلاوه کارگران نفت و گاز آغاچاری بر هر روزه بودن اعتراض خود تأکید دارند.

اعتراضات کارگران نفت، بلندشدن شعار «شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد» این بار از میان کارگران نفت یک حرکت سیاسی مهم است. از کارزار حمایت از کارگران نفت حمایت و پشتیبانی کنید و وسیعاً به این کارزار پیوندید. فریاد این شعارها پیوند عمیق اعتراضات کارگران در نفت با اعتراضات کارگری در سطح جامعه و مردم علیه فقر و فساد را به نمایش می‌گذارد.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آبان ۱۴۰۲، ۸ نوامبر ۲۰۲۳

اعتراض کارگران شیفت صبح و شب گروه ملی فولاد اهواز و یک خبر دیگر

توابع سیستان و بلوچستان و منع فعالیت در فضای مجازی محکوم شد. این معلم معترض در هنگام راهی شدن به زندان ویدئوکلیپی در مدیای اجتماعی منتشر کرد و گفت: "۲۷ ماه حبس هیچ چیز نیست. جانم را هم در راه آزادی مردم خواهم داد".

بنا بر خبر دیگر از همین نهاد محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، برای پرونده جدیدی به دادگاه احضار شد. محمد حبیبی در تاریخ ۲۰ دی ماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب شهریار با اتهام اجتماع و تبانی محاکمه خواهد شد. این پرونده مربوط به بازداشت او در تاریخ ۱۶ فروردین سال جاری است و مصادیق درج شده در پرونده مربوط به تجمعات معلمان در اعتراض به مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان مدارس دخترانه در شانزدهم اسفند سال ۱۴۰۱ است. محمد حبیبی، یکم خردادماه بعد از ۴۵ روز بازداشت و وثیقه یک میلیاردتومانی از بازداشتگاه ۲۰۹ آزاد شد. محمد حبیبی طی سال‌های گذشته، در اسفندماه ۹۶، اردیبهشت ۹۷ و فروردین ۱۴۰۱ نیز به‌خاطر فعالیت‌های حق‌طلبانه خود بازداشت شده بود و این سومین بار است که در طی این سال‌ها توسط دستگاه قضائی حکومت به دادگاه فراخوانده می‌شود.

همچنین امروز شانزدهم آبان‌ماه ریحانه انصاری نژاد از فعالین مدافع حقوق کارگران جهت تحمل ۴ سال حکم خود راهی زندان اوین شد. ریحانه در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ همراه با تعدادی از فعالین معلم و کارگری و اعضای کانون نویسندگان در تهران به دنبال بازداشت سیسل کولر و ژاک پاری دو فعال معلمان و عضو اتحادیه معلمان فرانسوی و سناریوی مسخره "طراحی سوخته" حکومت بازداشت شده بود. از جمع اعضای بازداشت شده در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱، جعفر ابراهیمی و رسول بدایق از اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، رضا شهبانی، حسن سعیدی و داود رضوی از اعضای سندیکای اتوبوس‌رانی شرکت واحد تهران و کیوان مهتدی و انیسا اسداللهی از اعضای کانون نویسندگان ایران همچنان در زندان هستند.

گفتنی است که از قبل نیز تعدادی از معلمان در بازداشت به سر می‌برند و اسامی معلمان زندانی در حال حاضر عبارت‌اند از: مسعود زینال زاده، احمد علیزاده، رسول بدایق، جعفر ابراهیمی، هاشم خواستار، اسماعیل عبدی، اصغر امیرزادگان، محمود صدیقی پور، انوش عادل، عزیز قاسمزاده، محمود ملاکی، حسین رمضان پور، مهدی فتحی، ناهید شیرپیشه، زینب هم‌رنگ، و جواد لعل محمدی. اشاره کنیم که مسعود زینال‌زاده از بازداشت‌شدگان در مراسم خاک‌سپاری آرمیتا گراوند است و پرونده او به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ارجاع شده است.

جمهوری اسلامی با دستگیری و زندان نتوانسته و نخواهد توانست جنبش حق‌طلبی معلمان و مردم را عقب براند. معلمان زندانی و کارگران زندانی، بازداشت‌شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند. پرونده‌های امنیتی برای تمامی فعالین سیاسی باید لغو شود. با قدرت مبارزاتمان در زندان‌ها را باز کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

۱۶ آبان ۱۴۰۲، ۷ نوامبر ۲۰۲۳

آزادی بی‌قیدوشرط عقیده، بیان،

اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات،

اعتصاب، تشکل و تمبز در ایران

فورا باید اعلام و برقرار شود.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی کانال صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز روز گذشته چهارشنبه ۱۷ آبان کارگران بخش‌های مختلف گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اقدامی اعتراضی در هر دو شیفت صبح و عصر، از رفتن به سالن‌های غذاخوری محل کار و خوردن غذای روزانه خود اجتناب کردند. عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل که می‌تواند بهبودی در سطح دستمزد آنها ایجاد کند، یک موضوع مهم اعتراض آنهاست و علی‌رغم اعتراضاتی که این کارگران داشته‌اند ماه‌هاست که مدیریت شرکت با وعده‌ووعید کارگران را سر دوانده و به این خواست کارگران پاسخ نمی‌دهد. مطالبه اصلی کارگران فولاد اهواز افزایش سطح دستمزد است. کارگران فولاد اعلام کرده‌اند که طرح طبقه‌بندی مشاغل باید به‌فوری اجرا شود و در غیر این صورت دامنه و سطح اعتراض خود را با تجمعات در داخل و خارج از شرکت گسترش خواهند داد.

- بنا به یک گزارش دیگر امروز هجدهم آبان‌ماه بیش از ۴۰۰ دکتر داروساز از داروخانه‌های خراسان رضوی، مقابل استانداری تجمع و اعتراض کردند. موضوعات اعتراضی اعلام شده این پزشکان عبارت‌اند از: کمبود دارویی در کشور در ۴۰ سال اخیر، کمبود شدید شیرخشک نوزادان و اقلام ضروری کشور، بدهی سازمان‌های بیمه به داروخانه‌ها که منجر به ورشکستگی بیش از ۷۰ درصد آنان شده، کارمزد غیرقانونی بر تعداد تراکنش‌های پوز بانکی و برداشت از جیب مردم (روش دزدی جدید حکومتی)، شروع پلتفرم‌های نرم‌افزاری تحت کنترل سپاه برای فروش آنلاین دارو (مثل اسنپ دارو) و...، در دستور قرارگرفتن طرح‌های دولتی برای تأسیس داروخانه‌های تحت کنترل خود که منجر به بیکاری بیش از یک میلیون نفر می‌شود.

این اعتراضات نشانگر وضع نابسامان توزیع دارو در سطح جامعه و معضلات درمانی مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ آبان ۱۴۰۲، ۹ نوامبر ۲۰۲۳

خبرهایی از تشدید سرکوب معلمان و بازداشت‌ها

طبق اخبار منتشر شده از سوی کانال "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان کشور"، نیروهای امنیتی با یورش به تجمع معلمان بازنشسته کشوری در روز پانزدهم آبان‌ماه در مقابل سازمان برنامه‌بودجه که با هتاک و توهین همراه بود، سه تن از معلمان بازنشسته به اسامی سیامک چهرازی، انصاری و موسویان از معلمان خوزستان را بازداشت کرده و سپس با اخذ تعهد آزاد کردند. بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی در حرکت اعتراضی خود در اهواز در هفته گذشته با شعار تجمع اعتراض حق مسلم ماست، پاسخ سرکوبگری‌های حکومت را دادند.

بنا بر خبر منتشر شده دیگری از سوی شورای هماهنگی احمد علیزاده، دبیر ورزش دبیرستان‌های آبدانان، استان ایلام، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، جهت تحمل دوران محکومیت خود راهی زندان ایلام شد. او قبلاً در تاریخ ۲۵ مهر ۱۴۰۱ در رابطه با اعتراضات سراسری در شهرستان آبدانان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و پس از چندی با وثیقه آزاد شده بود. اما بعد در دادگاه تجدیدنظر با اتهاماتی چون "تشکیل دسته و گروه بیش از دو نفر به‌قصد برهم‌زدن امنیت کشور" و "تبلیغ علیه نظام" به ۲۷ ماه حبس و یک سال و نیم انفصال از خدمات دولتی و عمومی و یک سال و نیم اقامت اجباری در شهر فنوج از

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

milad.rabei@gmail.com

kazem.nikkhah@gmail.com

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org



 حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

پاه حزب کمونیست
کارگری ایران پیوندید
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید 

پخش زنده آنلاین؛

 پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com